

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزوه مسابقه زندگی با آیه هارمضان المبارک ۱۴۰۴

تهیه و جمع آوری شده توسط جمعی از علمای اهل سنت

دارالقرآن اهل سنت سازمان تبلیغات اسلامی استان سیستان و بلوچستان

زندگی با آیه ها ۱

راهنمایی برای زندگی مؤمنانه

۱. معرفت خدا، پایه عبادت صحیح

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) در روایتی فرمودند :

أنا دعوة أبي إبراهيم، وبشارة أخى عيسى

من دعای پدرم ابراهیم و بشارت برادرم عیسی هستم

حضرت ابراهیم (علیه السلام) در دعای خود از خداوند متعال خواستند :

«رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

بقره، ۱۲۹

این دعا چهار رکن اساسی دارد :

۱. تلاوت آیات الهی: شناخت خدا از طریق آیات او .

۲. آموزش کتاب: فهم و عمل به دستورات قرآن .

۳. تعلیم حکمت: درک عمیق و خردمندانه احکام الهی .

۴. تزکیه نفوس: پاکسازی روح و روان از آلودگی ها .

اگر معرفت خدا نادیده گرفته شود، عبادت صحیح نخواهد بود. انسان‌هایی که قانون‌گذار (مشرع) را نمی‌شناسند، ممکن است به حيله‌گری روی آورند. بنابراین، هر دعوتی به سوی خدا باید با معرفی او آغاز شود.

پیامبر (صلی الله علیه و سلم) سیزده سال در مکه را صرف معرفی خدا به یارانش کرد تا ایمان در قلب های آنها ریشه دواند و سپس تشریع نازل شد.

۲. مکارم اخلاق، اساس زندگی مؤمن

خدای متعال در آیه ای از سوره مبارکه محمد آمده است :

وَسَقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ (محمد، ۱۵)

این آیه به ظرافت علمی اشاره دارد که در زمان نزول قرآن ناشناخته بود. روده ها فاقد اعصاب حسی هستند و درد تنها زمانی احساس می شود که دیواره روده سوراخ شود. این نشان دهنده اعجاز علمی قرآن است .

قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و سلم) دو منبع اصلی هدایت هستند. قرآن کلیات را بیان می کند و سنت، تفصیل و تطبیق آنها را ارائه می دهد. تزکیه نفوس نیز بخشی اساسی از این فرآیند است. اگر مکارم اخلاق از زندگی مؤمن حذف شود، در واقع همه چیز از دست رفته است. ایمان با حسن خلق گره خورده است و ارتباط با خداوند، نفوس مؤمنان را صفا می بخشد.

۳. ارکان دعوت الهی

چهار رکن اصلی دعوت الهی عبارتند از :

۱. تلاوت آیات کونی: شناخت خدا از طریق جهان آفرینش .
۲. مطالعه آیات قرآنی: عبادت خدا بر اساس کتاب او .
۳. ارتباط با خداوند: تزکیه نفوس از طریق قرب به او .
۴. پیروی از سنت پیامبر: اجرای منهج الهی در زندگی .

هر دعوتی که این ویژگی‌ها را نداشته باشد، موفق نخواهد بود. پیامبر (صلی الله علیه و سلم) الگویی کامل برای بشریت است و هر کس از این منهج فاصله بگیرد، از هدایت دور شده است.

۴. عواقب روی گردانی از دین

خداوند متعال در سوره بقره می‌فرماید :

وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِذَا مِنْ سَفَهٍ نَفْسُهُ (بقره، ۱۳۰)

هر کس از دین حنیف ابراهیمی روی برگرداند، در واقع خود را خوار کرده است. دین، راه ارتباط با خداوند است و بی‌توجهی به آن، به معنای دوری از رحمت الهی است. قرآن و سنت، ابزارهای هدایت هستند و بی‌اعتنایی به آن‌ها، انسان را از سعادت دنیوی و اخروی محروم می‌کند.

۵. رهایی از اختلافات تاریخی

خداوند در سوره بقره می‌فرماید :

«تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره ۱۳۴)

این آیه ما را از گرفتار شدن در اختلافات تاریخی رها می‌سازد. مسلمانان باید به جای پرداختن به مشاجرات گذشته، بر ساختن آینده‌ای روشن تمرکز کنند. تاریخ گذشته است و ما مسئول اعمال خود هستیم. هدف ما باید پیروی از منهج الهی و تلاش برای رسیدن به رضایت خداوند باشد.

خواسته خداوند متعال از بندگان در این آیات و روش اجرایی آن

خداوند متعال در این آیات از بندگان خود می‌خواهد :

۱. معرفت خدا: شناخت او از طریق آیاتش و تقویت ایمان .

۲. رعایت مکارم اخلاق: زندگی بر اساس اخلاق نیکو و پرهیز از هرگونه ناپاکی .
۳. پیروی از قرآن و سنت: عمل به دستورات الهی و الگوگیری از پیامبر (صلی الله علیه و سلم).
۴. دوری از اختلافات: تمرکز بر آینده و تلاش برای وحدت و همدلی .

روش اجرایی و عملی کردن این خواسته‌ها

۱. معرفت خدا: مطالعه آیات قرآن و تفکر در نشانه‌های الهی در جهان.
 ۲. اخلاق نیکو: تمرین صبر، صداقت، عدالت و مهربانی در زندگی روزمره .
 ۳. پیروی از قرآن و سنت: یادگیری احکام دینی و عمل به آن‌ها در زندگی شخصی و اجتماعی .
 ۴. وحدت و همدلی: پرهیز از مشاجرات بی‌فایده و تلاش برای ایجاد همبستگی میان مؤمنان .
- با رعایت این اصول، زندگی مؤمنانه‌ای خواهیم داشت که هم در دنیا و هم در آخرت، رضایت خداوند را به همراه خواهد داشت.

زندگی با آیه ها ۲

پرهیز از خوردن مال مؤمن به ناحق

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

بقره: ۱۸۸

این آیه شریفه هشدار می دهد که خوردن مال یکدیگر به ناحق و از راه باطل پرهیزند. نکته ظریف این آیه این است که خداوند متعال فرمود: «مال دیگران را نخورید»، بلکه فرمود: «مال های خود را نخورید». این تعبیر نشان دهنده آن است که مؤمنان به مثابه یک خانواده واحد، یک قانون واحد و یک شخصیت حقوقی واحد هستند. بنابراین، اگر کسی مال برادر مؤمن خود را به ناحق تصاحب کند، گویی مال خود را خورده است. مال برادر مؤمن، از جهتی مال شماست؛ زیرا شما موظف به حفظ و مراقبت از آن هستید.

مسئولیت مؤمن در حفظ مال دیگران

اگر کسی به عنوان امین یا وکیل، مسئولیت مدیریت مال دیگری را بر عهده بگیرد و از آن مال به ناحق استفاده کند، گناهش مضاعف است. زیرا او نه تنها مرتکب خیانت شده، بلکه به امانتی که به او سپرده شده، خیانت کرده است. خداوند در این آیه به مؤمنان هشدار می دهد که مراقب باشند و مال یکدیگر را به ناحق نخورند. مؤمنان به عنوان یک امت واحد، موظف به همکاری، تعاون و کمک به یکدیگر هستند. اگر کسی مال برادر مؤمن خود را به ناحق بخورد، گویی خود را تضعیف کرده است؛ زیرا او موظف است در صورت نیاز، به برادر مؤمن خود کمک کند.

خوردن مال مردم به حق در مقابل تلاش و زحمت

آیا خوردن مال مردم به حق ممکن است؟ بله، زمانی که شما با تلاش و زحمت، تجارت می‌کنید و کالایی را با سود معقول به فروش می‌رسانید، این کار شما حلال است. شما در مقابل زحمت و تلاش خود، سود کسب می‌کنید و این نوعی خوردن مال مردم به حق است. در واقع، بسیاری از احکام شرعی در دو حوزه اصلی قرار می‌گیرند: کسب مال و مسائل مربوط به زنان. این دو حوزه از جمله مواردی هستند که انسان ممکن است در آن‌ها دچار لغزش شود. جوانان ممکن است از طریق زنان و تاجران ممکن است از طریق مال دچار گناه شوند. بنابراین، اولین توصیه به جوانان، غضب بصر است و اولین توصیه به تاجران، رعایت حلال و حرام در کسب و کار است.

ضرورت تنظیم دخل و خرج برای تقرب به خدا

انسان تا زمانی که دخل و خرج خود را تنظیم نکند و تا زمانی که بر جوارح خود (چشم، گوش، زبان، دست و پا) کنترل نداشته باشد، نمی‌تواند به خدا نزدیک شود. انسان ممکن است از طریق شهوت یا منفعت‌طلبی دچار گناه شود. ممکن است منفعت‌طلبی او را به خوردن مال مردم به ناحق سوق دهد. بنابراین، کنترل این دو حوزه بسیار مهم است.

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند :

لَا تَزُولُ قَدَمُ ابْنِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ خَمْسٍ؛ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَ أَفْنَاهُ؟ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ؟ وَمَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ؟ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ؟ وَمَاذَا عَمَلَ فِيمَا عَمِلَ؟ ترمذی شماره حدیث ۲۴۱۷

در روز قیامت، هر انسانی درباره پنج چیز بازخواست می‌شود: عمرش را در چه راهی صرف کرده، جوانی‌اش را چگونه گذرانده، مالش را از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده، و از علمش چگونه استفاده کرده است.

پاداش پیروی از هدایت الهی

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید :

﴿قَالَ اهْبِطْ مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾

طه: ۱۲۳

و در آیه دیگری می‌فرماید :

﴿فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ بقره: ۳۸

این آیات نشان‌دهنده آن است که کسی که از هدایت الهی پیروی کند، چهار نعمت بزرگ به دست می‌آورد :

۱. عقلش گمراه نمی‌شود .

۲. دلش شقی و ناراحت نمی‌شود .

۳. هر آنچه از دست داده، اندوه نمی‌خورد .

۴. از آینده نمی‌ترسد .

آیا پاداشی بزرگ‌تر از این وجود دارد؟ کسی که از هدایت الهی پیروی کند، نه تنها در دنیا آرامش دارد، بلکه در

آخرت نیز از عذاب الهی در امان است.

خطرات مال و زنان

دو عامل بزرگ که انسان را به گناه می‌کشاند، مال و زنان هستند. بسیاری از افراد به خاطر این دو عامل، از راه

حق منحرف می‌شوند. مؤمن واقعی کسی است که از طریق غضّ بصر و کسب حلال، خود را از خطرات این

دو عامل مصون می‌دارد .

پیامبر اکرم (ص) فرموده اند :

تَعْسَ عَبْدُ الدِّينَارِ وَالْدِرْهَمِ وَالْقَطِيفَةِ وَالْخَمِصَةِ، إِنْ أُعْطِيَ رَضِيَ، وَإِنْ لَمْ يُعْطَ لَمْ يَرْضَ بخاری، شماره حدیث ۲۸۸۷

کسی که بنده پول و ثروت باشد، هرگز به آرامش نمی رسد. اگر به او داده شود، خوشحال می شود و اگر به او داده نشود، ناراحت می شود. مؤمن واقعی کسی است که بنده خدا باشد، نه بنده دنیا.

محاسبه نفس

آیه (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) به ما یادآوری می کند که باید همیشه مراقب اعمال خود باشیم و نفس خود را به شدت محاسبه کنیم. تقوا در همین است که انسان حتی از خوردن یک دانه مال حرام بپرهیزد .

یکی از تابعین که صاحب مغازه ای بود، پس از نماز ظهر متوجه شد که برادرزاده اش یک لباس را به قیمتی بالاتر از ارزش واقعی اش فروخته است. او بلافاصله خریدار را پیدا کرد و مبلغ اضافی را به او بازگرداند. این رفتار نشان دهنده تقوا و مراقبت از مال دیگران است.

خواسته خداوند از بندگان در این آیه و روش اجرایی آن در زندگی

خداوند در این آیه از بندگان خود می خواهد که از خوردن مال دیگران به ناحق و از راه های باطل بپرهیزند.

روش اجرایی این دستور در زندگی، شامل موارد زیر است :

۱- رعایت امانت داری: در هر مسئولیتی که بر عهده می گیریم، باید امانت دار باشیم و از سوءاستفاده از اموال

دیگران خودداری کنیم

۲- کسب روزی حلال: تلاش کنیم تا درآمد خود را از راههای مشروع و حلال به دست آوریم و از هرگونه

کسب حرام دوری کنیم .

۳. محاسبه نفس: همواره اعمال خود را بررسی کنیم و از هرگونه خطا و گناه در زمینه مالی توبه کنیم .

۴. تعاون و همکاری: به عنوان امت واحد، در حفظ و مراقبت از اموال یکدیگر کوشا باشیم و در صورت نیاز به

برادران مؤمن خود کمک کنیم .

۵. تقوا و پرهیزگاری: حتی در کوچکترین امور مالی، تقوا پیشه کنیم و از هرگونه مال حرام دوری نماییم .

با رعایت این اصول، می توانیم به خواسته خداوند در این آیه عمل کرده و در مسیر رضایت الهی گام برداریم.



زندگی با آیه ها ۳

تساوی مرد و زن در تکلیف، تشریف و مسئولیت

یکی از آیاتی که در این زمینه مورد توجه قرار گرفته، آیه‌ای از سوره بقره است که در آن خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾ بقره: ۲۸۲

برخی از دشمنان اسلام این آیه را دست‌آویزی قرار داده‌اند تا ادعا کنند که اسلام زن را در جایگاهی پایین‌تر از مرد قرار داده است، زیرا شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد است. اما حقیقت این است که خداوند در آیات متعددی تأکید کرده است که زن و مرد در تکلیف، تشریف و مسئولیت برابرند. زن همانند مرد موظف به انجام ارکان ایمان و اسلام است و در قبال خانواده و فرزندان خود مسئولیت دارد. در آخرت نیز زن همانند مرد می‌تواند به بهشت وارد شود.

با این حال، خداوند مرد و زن را با ساختارهای جسمی، روانی و عقلی متفاوت آفریده است. این تفاوت‌ها به معنای برتری یکی بر دیگری نیست، بلکه هر یک از این ویژگی‌ها در جای خود کمال محسوب می‌شود. همان‌طور که در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم :

﴿وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى﴾ آل عمران: ۳۶

و در جای دیگری می‌فرماید :

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ اعراف: ۱۸۹

بنابراین، از یک سو زن و مرد در تکلیف و مسئولیت برابرند و از سوی دیگر، هر یک با ویژگی‌های خاص خود آفریده شده‌اند تا نقش خود را در زندگی ایفا کنند. این تفاوت‌ها نه تنها نقص نیست، بلکه کمال هر یک از آن‌ها محسوب می‌شود. مرد با قدرت درک بیشتر و احساسات کنترل‌شده‌تر آفریده شده است تا مسئولیت‌های

سنگین تر را بر عهده بگیرد، در حالی که زن با احساسات لطیف تر و درک متفاوت، نقش مادری و همسری را به بهترین شکل ایفا می کند.

تکامل مرد و زن

مرد و زن با وجود تفاوت هایشان، مکمل یکدیگرند. هر یک از آنها ویژگی هایی دارند که برای موفقیت در رابطه زناشویی و تربیت فرزندان ضروری است. همان طور که در آیه ای دیگر می خوانیم :

﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى * مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى﴾ سوره نجم: ۴۵-۴۶

هر گونه ادعای برتری مرد بر زن یا بالعکس، ناشی از جهل و تفکر جاهلی است. خداوند در قرآن کریم به صراحت بیان می کند که مردان و زنان مؤمن، صادق، صابر و خاشع، همگی در پیشگاه خداوند برابرند و پاداش عظیمی در انتظار آنهاست :

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ سوره احزاب: ۳۵

و در جای دیگری می فرماید :

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ سوره نحل: ۹۷

قومیت مرد بر زن: مدیریت و تنظیم

در آیه ای دیگر، خداوند می فرماید :

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ سوره نساء: ۳۴

این قوامیت به معنای تسلط و استبداد نیست، بلکه به معنای مدیریت و تنظیم امور خانواده است. مرد به عنوان سرپرست خانواده، مسئولیت تأمین مالی و مدیریت کلی خانواده را بر عهده دارد، اما این به معنای برتری ذاتی مرد بر زن نیست. همان طور که در آیه ای دیگر می خوانیم :

﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ﴾ سوره بقره: ۲۲۸

نقش زن در تربیت فرزندان

شهادت زن تنها در محکمه های قضایی خلاصه نمی شود، بلکه بزرگ ترین شهادت او تربیت فرزندان صالح و بااخلاق است. زن با ایفای نقش مادری و همسری، می تواند جامعه ای سالم و پویا را شکل دهد. همان طور که رسول خدا (ص) فرموده اند :

اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعٍ، وَإِنَّ أَعْوَجَ شَيْءٍ فِي الضِّلْعِ أَعْلَاهُ، فَإِنْ ذَهَبَتْ تُقِيمُهُ كَسَرَتْهُ، وَإِنْ تَرَكْتَهُ لَمْ يَزَلْ أَعْوَجَ، فَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ بخاری شماره حدیث، ۵۱۸۵، ۵۱۸۶

معاشرت به معروف

خداوند در قرآن کریم به مردان توصیه می کند که با زنان به نیکی رفتار کنند :

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ نساء: ۱۹

معاشرت به معروف به این معناست که مردان نه تنها از آزار زنان خودداری کنند، بلکه صبر و تحمل در برابر برخی ناملایمات را نیز پیشه خود سازند. همان طور که رسول خدا (ص) فرموده اند :

لَا يَفْرَكُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ مسلم شماره حدیث ۱۴۶۹

خواسته خداوند از بندگان و روش اجرایی آن

خداوند در آیات متعدد قرآن کریم از بندگان خود خواسته است که به عدالت و احسان رفتار کنند و تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد را بهانه‌ای برای تبعیض یا ستم قرار ندهند. در آیه‌ای از سوره نساء می‌فرماید :

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ﴾ سوره نساء: ۱۳۵

خداوند از بندگان خود می‌خواهد که در تمام امور، حتی اگر به ضرر خود یا نزدیکانشان باشد، به عدالت رفتار کنند و شهادت حق دهند. این عدالت شامل رفتار عادلانه با زنان و مردان در تمام زمینه‌های زندگی است.

روش اجرایی و عملی کردن این خواسته

۱. عدالت در خانواده: مردان و زنان باید در خانواده به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. مردان به عنوان سرپرست خانواده، مسئولیت دارند که با عدالت و احسان با زنان رفتار کنند و زنان نیز باید در تربیت فرزندان و مدیریت خانه همکاری نمایند .

۲. عدالت در اجتماع: در جامعه، زنان و مردان باید فرصت‌های برابر برای تحصیل، کار و مشارکت اجتماعی داشته باشند. قوانین باید به گونه‌ای تنظیم شوند که از حقوق هر دو جنس به طور عادلانه حمایت کنند .

۳. عدالت در قضاوت: در محاکم قضایی، شهادت زنان و مردان باید بر اساس عدالت و بدون تبعیض بررسی شود. اگرچه در برخی موارد شهادت دو زن معادل یک مرد در نظر گرفته شده است، اما این به معنای کم‌ارزش‌تر بودن شهادت زن نیست، بلکه به دلیل تفاوت‌های طبیعی در مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی است .

توجه به تفاوت‌های طبیعی: در عین حال، باید به تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد توجه کرد و از این تفاوت‌ها به عنوان ابزاری برای تبعیض استفاده نکرد. هر یک از زن و مرد باید در جایگاه خود مورد احترام و حمایت قرار گیرند.

زندگی با آیه ها ۴

رحمت، مدارا و مشورت در سیره پیامبر (ص)

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ آل عمران: ۱۵۹

ترجمه: پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرمخو و مهربان شدی و اگر تندخو و سختدل بودی، قطعاً از اطراف تو پراکنده میشدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

رحمت، نشانه ارتباط با خدا

رحمت در قلب انسان، نشانه ای از ارتباط او با خدای متعال است. دورترین قلب از خدا، قلبی است که سخت و بیرحم باشد. در حدیث قدسی آمده است:

((إذا أردتم رحمتی فارحموا خلقی))

((اگر رحمت مرا میخواهید، به بندگانم رحم کنید.))

رحم کنندگان، مورد رحمت خدا قرار میگیرند. دورترین قلبها از خدا، قلبهای سخت و بیرحم هستند. اگر رحمت نشانه ایمان و ارتباط با خداست، این نشانه ها با هم حرکت میکنند. یعنی میزان ایمان شما به اندازه ارتباطتان با خدا و میزان رحمتی است که در قلبتان نسبت به بندگان خدا وجود دارد. وقتی قلب انسان نسبت به بندگان خدا سخت میشود، به آنها آزار میرساند. بدانید که در چنین حالتی، نماز، روزه، حج و زکاتش سودی به حالش نخواهد داشت؛ زیرا از خدا دور است. این عبادات راهی برای تقرب به خدا هستند، اما اگر کسی در رفتارش با بندگان خدا سختگیر باشد، این نشانه دوری او از خداست.

حدیث نبوی:

((بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً وَحَدِّثُوا عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ))

(رواه البخاری عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو)

((حتی اگر یک آیه از من به دیگران برسانید، کافی است. و از بنی اسرائیل نقل کنید و مانعی ندارد. اما هر کس عمداً بر من دروغ ببندد، جایگاهش در آتش است.))

(روایت بخاری از عبدالله بن عمرو)

آیه:

((وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ))

اگر انسان تندخو و سختدل باشد، حتی اگر عالم و دانشمند هم باشد، مردم از اطرافش پراکنده میشوند. حال تصور کنید پیامبر (ص)، که سید خلقت، حبیب خدا و معصوم است، اگر تندخو و سختدل بود، مردم از اطرافش پراکنده میشدند. پس چگونه ممکن است فردی که نه معجزه دارد، نه وحی بر او نازل میشود و نه معصوم است، در دعوتش تندخو و سختدل باشد و مردم دعوتش را بپذیرند؟

تاریخ گواه است:

روزی مردی نزد یکی از خلفا آمد و گفت: میخواهم تو را موعظه کنم و بر تو سخت بگیرم. آن خلیفه که فردی فقیه بود، گفت: چرا سختگیری؟ خداوند کسی را که از تو بهتر بود (موسی و هارون) به سوی کسی که از من بدتر بود (فرعون) فرستاد و به آنها فرمود:

((فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى)) (سوره طه، آیه ۴۴)

پس هر که به معروف دعوت میکند، باید با نرمی و مهربانی باشد. شما نمی‌توانید ذهن مردم را باز کنید، مگر اینکه ابتدا قلبهایشان را با احسان و نیکی بگشایید. به همین دلیل گفته شده است: احسان قبل از بیان. شما نمیتوانید مردم را به حق دعوت کنید، مگر اینکه خود بر حق باشید و الگو باشید. الگو بودن قبل از دعوت کردن، یکی از اصول مهم است. شما نمیتوانید بر دیگران تأثیر بگذارید، مگر اینکه به آنها محبت کنید.

حدیث نبوی:

((بعثت بمداراة الناس))

((من با مدارا کردن با مردم مبعوث شده‌ام.))

مدارا به معنای استفاده از دنیا برای پیشبرد دین است. شما بخشی از وقت، تخصص، راحتی و مال خود را صرف میکنید تا دل برادر مؤمن خود را به دست آورید. این مدارا است. اما مداهنه به معنای استفاده از دین برای رسیدن به دنیا است.

﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (سوره قلم، آیه ۹)

مداهنه خطرناک است و مداهن، منافقی است که دینش را فدای دنیا میکند.

سیره پیامبر (ص):

پیامبر (ص) چنان مهربان و رحیم بود که حتی هنگام ورود به خانه، لباسش را جمع میکرد تا صدای آن خانواده را نرنجاند. او به کودکان سلام میکرد و حسن و حسین (ع) را بر دوش خود سوار میکرد و میفرمود: چه شتر خوبی دارید و چه بار خوبی هستید. این اخلاق والای پیامبر (ص) بود که او را به چنین مقامی رساند.

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (سوره قلم، آیه ۴)

خداوند نفرمود: تو دارای خلق عظیم هستی، بلکه فرمود: تو بر خلق عظیم استواری. این تفاوت بزرگی است. پیامبر (ص) چنان بر اخلاقش مسلط بود که هیچ چیز نمیتوانست او را از مدارا و نرمی خارج کند.

مشورت، نشانه ایمان:

مشورت از ویژگیهای مؤمن است. پیامبر (ص) با وجود عصمت و تأیید الهی، با اصحابش مشورت میکرد. حتی در جنگ بدر، وقتی یکی از صحابه به ایشان پیشنهاد داد که جایگاه لشکر را تغییر دهد، پیامبر (ص) بدون هیچ تعصبی پذیرفت و دستور داد لشکر در محل پیشنهادی مستقر شود.

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾

هر کس با مردم مشورت کند، از عقلهایشان بهره میبرد. مشورت کردن، نشانه عقل و خرد است. حتی پیامبر (ص) که معصوم و مؤید به وحی بود، مأمور به مشورت بود. پس ما که از ایشان پایینتر هستیم، به طریق اولی باید مشورت کنیم.

استخاره و استشاره:

استخاره برای خداوند است. قبل از هر کار مباحی مانند ازدواج، سفر یا شروع کسبوکار، دو رکعت نماز بخوانید و دعای استخاره را بگویید: اگر این کار برای دین، دنیا و عاقبت من خیر است، آن را برایم آسان کن و اگر شر است، آن را از من دور کن. اما استشاره، مشورت با اهل خبره و متدین است. اگر تاجر هستید، با تاجر متدین مشورت کنید. اگر کشاورز هستید، با کشاورز متدین مشورت کنید. با این کار، شما از تجربه سالها زندگی دیگران بهره‌مند میشوید.

توکل بر خدا:

توکل به معنای تلاش با جوارح و اعتماد قلبی به خداست. یکی از علمای بزرگ گفته است: تلاش، سنت پیامبر (ص) است و توکل، حال ایشان. پس باید هم تلاش کرد و هم بر خدا توکل نمود.

﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾

رحمت، مدارا و مشورت، سه اصل مهم در سیره پیامبر (ص) و راهنمای زندگی مؤمنان است. با رحمت، قلبها را به دست آورید، با مدارا، دلها را نرم کنید و با مشورت، از تجربه دیگران بهره ببرید. و در نهایت، بر خدا توکل کنید، زیرا او توکلکنندگان را دوست دارد.

خواسته خداوند متعال از بندگان در این آیه و شیوه اجرایی و عملی کردن آن

خداوند متعال در این آیه از بندگان خود میخواهد که در رفتار و تعاملاتشان با دیگران، سه اصل مهم را رعایت کنند:

۱. رحمت و نرمخویی: با مردم به گونهای رفتار کنند که نشاندهنده رحمت و مهربانی باشد.
۲. عفو و استغفار: از خطاهای دیگران درگذرند و برای آنها طلب آمرزش کنند.
۳. مشورت: در امور مهم با دیگران مشورت کنند و از نظراتشان بهره ببرند.
۴. توکل بر خدا: پس از تصمیمگیری، بر خدا توکل کنند و به او اعتماد نمایند.

شیوه اجرایی و عملی کردن این خواسته ها:

۱. رحمت و نرمخویی:

- در برخورد با دیگران، حتی در مواجهه با خطاها و اشتباهاتشان، نرمی و مهربانی را پیشه کنید.
- از کلمات تند و رفتارهای خشن پرهیز کنید، زیرا این رفتارها باعث دوری مردم از شما میشود.
- در خانواده، محل کار و جامعه، با رحمت و محبت رفتار کنید تا دل‌های دیگران را به دست آورید.

۲. عفو و استغفار:

- اگر کسی به شما خطایی کرد، از او درگذرید و کینه به دل نگیرید.
- برای کسانی که به شما بدی کرده‌اند، طلب آمرزش کنید تا رابطتهان با خدا و خلق او بهبود یابد.
- این رفتار نه تنها باعث آرامش روحی خودتان میشود، بلکه دیگران را نیز به سوی شما جذب میکند.

۳. مشورت:

- در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، با افراد باتجربه و متدین مشورت کنید.
- از نظرات دیگران استقبال کنید و با جمع‌آوری اطلاعات و تجربیات مختلف، بهترین تصمیم را بگیرید.
- مشورت کردن نشانه تواضع و خردمندی است و باعث میشود از اشتباهات بزرگ جلوگیری کنید.

۴. توکل بر خدا:

- پس از مشورت و بررسی همه جوانب، تصمیم نهایی خود را بگیرید و سپس بر خدا توکل کنید.
- توکل به معنای تلاش و کوشش از یک سو و اعتماد قلبی به خدا از سوی دیگر است.

- در همه مراحل زندگی، حتی در سختترین شرایط، به خدا اعتماد کنید و بدانید که او بهترین تدبیر را برای شما دارد.

نمونه عملی:

- در محیط کار، اگر با همکاران خود اختلاف نظر دارید، با نرمی و مهربانی با آنها صحبت کنید و از رفتارهای تند پرهیز نمایید.

- اگر کسی به شما بدی کرد، به جای انتقام، از او درگذرید و برایش طلب آمرزش کنید.

- قبل از شروع یک پروژه جدید، با افراد متخصص و باتجربه مشورت کنید و از نظراتشان بهره ببرید.

- پس از تصمیم گیری، با توکل بر خدا، کار را شروع کنید و مطمئن باشید که خداوند بهترین پشتیبان شماست.

نتیجه:

با رعایت این اصول، نه تنها زندگی شخصی و اجتماعی شما بهبود مییابد، بلکه به عنوان یک فرد مؤمن، الگویی برای دیگران خواهید بود. رحمت، عفو، مشورت و توکل، چهار ستون مهم در زندگی یک مؤمن هستند که با عمل به آنها، میتوانید به رضایت خداوند و سعادت دنیوی و اخروی دست یابید.

زندگی با آیه ها ۵

جایگاه آرزوها و عمل در زندگی انسان

عمل صالح، کلید رستگاری

﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ (۱۲۳) وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (۱۲۴) وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ ﴿ نساء: ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵

این آیات نورانی، پیام روشنی برای بندگان خدا دارند: آرزوها به تنهایی ارزشی ندارند، بلکه عمل صالح و ایمان است که انسان را به رستگاری می‌رساند. خداوند متعال در این آیات تأکید می‌کند که آرزوهای بی‌پشتوانه و بدون تلاش، هیچ سودی برای انسان نخواهند داشت. بهشت با آرزو به دست نمی‌آید، بلکه با عمل صالح و ایمان حقیقی محقق می‌شود.

جایگاه عمل صالح در قرآن

خداوند در آیات متعددی بر اهمیت عمل صالح تأکید کرده است. در سوره نحل، آیه ۳۲ می‌فرماید :

﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

این آیه به روشنی بیان می‌کند که ورود به بهشت، نتیجه اعمال نیک انسان است. همچنین در سوره اسراء، آیه ۱۹ آمده است :

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾

این آیه نشان می‌دهد که تلاش خاص و هدفمند برای آخرت، همراه با ایمان، مورد پذیرش خداوند قرار می‌گیرد.

در سوره کهف، آیه ۱۱۰ نیز خداوند می فرماید :

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾

این آیه به انسان یادآوری می کند که امید به دیدار پروردگار، باید با عمل صالح و خالصانه همراه باشد.

آرزوها و واقعیت ها

انسان همواره آرزوهایی در سر دارد: ثروت، سلامتی، موفقیت و ورود به بهشت. اما خداوند در آیات فوق به ما یادآوری می کند که آرزوهای بی پشتوانه و بدون تلاش، هیچ ارزشی ندارند. مثلاً اگر فردی آرزوی ثروتمند شدن داشته باشد، اما هیچ تلاشی برای کسب درآمد نکند، آیا به آرزوی خود می رسد؟ یا اگر دانش آموزی آرزوی قبولی در رشته پزشکی را داشته باشد، اما درس نخواند و تلاش نکند، آیا می تواند به هدف خود برسد؟

خداوند در سوره نجم، آیه ۳۹ می فرماید :

﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

این آیه به روشنی بیان می کند که انسان تنها بهره ای از تلاش خود می برد.

فریب دنیا و هوشیاری

خداوند در سوره فاطر، آیه ۵ هشدار می دهد :

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾

دنیا با تمام زیبایی ها و لذت هایش، فریبنده است. شیطان از هر جهت ممکن انسان را به گناه دعوت می کند، چه از طریق پیشرفت های ظاهری، چه از طریق عادات نادرست و چه از طریق القای مفاهیم نادرست درباره رحمت و شفاعت خداوند .

اما انسان باید هوشیار باشد و حقیقت را در زمان مناسب درک کند. همان طور که فرعون در لحظه مرگ به حقیقت رسید و گفت :

﴿أَمِنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ یونس: آیه ۹۱

اما این ایمان دیر هنگام، سودی برای او نداشت.

خواسته خداوند از بندگان

خداوند متعال در این آیات از بندگان خود می خواهد که به جای تکیه بر آرزوهای بی اساس، با ایمان و عمل صالح به سوی رستگاری حرکت کنند. شیوه اجرایی و عملی کردن این خواسته، شامل موارد زیر است:

۱. تلاش و کوشش: انسان باید برای رسیدن به اهداف خود، چه در دنیا و چه در آخرت، تلاش کند .
 - در زندگی روزمره: برنامه ریزی دقیق و تلاش مستمر برای دستیابی به اهداف مادی و معنوی .
 - در کار و تحصیل: مطالعه و یادگیری مداوم، بهبود مهارت ها و انجام وظایف با دقت و اخلاص.
۲. عمل صالح: انجام کارهای نیک و دوری از گناه، شرط اصلی رستگاری است .
 - در زندگی اجتماعی: کمک به نیازمندان، مشارکت در امور خیریه و انجام کارهای نیک برای دیگران .
 - در خانواده: رعایت حقوق اعضای خانواده، ایجاد محیطی آرام و پر از محبت و انجام وظایف خانوادگی با مسئولیت پذیری.

۳. ایمان خالص: ایمان به خداوند و دوری از شرک، اساس پذیرش اعمال است .
 - در عبادات: انجام نماز، روزه، زکات و سایر فرائض دینی با اخلاص و توجه کامل .
 - در رفتار و گفتار: رعایت اخلاق اسلامی، صداقت، راستی و پرهیز از دروغ و غیبت.
 ۴. هوشیاری و دوری از فریب دنیا: انسان باید هوشیار باشد و فریب ظواهر دنیا را نخورد.
 - در تصمیم گیری ها: توجه به ارزش های الهی و دوری از وسوسه های مادی در انتخاب های زندگی.
 - در روابط اجتماعی: انتخاب دوستان خوب و دوری از افراد و محیط های گناه آلود.
 - در نهایت، خداوند متعال در آیه ۱۲۵ سوره نساء، دین را در دو کلمه خلاصه می کند:
- ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾
- این آیه نشان می دهد که جوهر دین، تسلیم در برابر خداوند و نیکی به خلق است. انسان باید با عمل صالح و ایمان خالص، به سوی رستگاری گام بردارد و از فریب دنیا و آرزوهای بی پشتوانه دوری کند.

شیوه اجرایی و عملی کردن در زندگی

- برای عملی کردن این پیام قرآنی در زندگی، می توان مراحل زیر را دنبال کرد:
۱. برنامه ریزی و هدف گذاری: تعیین اهداف مشخص و برنامه ریزی برای دستیابی به آنها.
 - اهداف مادی: مانند پیشرفت شغلی، تحصیلی و مالی.
 - اهداف معنوی: مانند تقویت ایمان، انجام اعمال صالح و کمک به دیگران.
 ۲. تلاش مستمر: پیگیری مداوم اهداف و عدم تسلیم در برابر مشکلات.

- در کار و تحصیل: مطالعه و یادگیری مداوم، بهبود مهارت‌ها و انجام وظایف با دقت و اخلاص.

- در عبادات: انجام نماز، روزه، زکات و سایر فرائض دینی با اخلاص و توجه کامل.

۳. انجام اعمال صالح: کمک به نیازمندان، مشارکت در امور خیریه و انجام کارهای نیک برای دیگران.

- در خانواده: رعایت حقوق اعضای خانواده، ایجاد محیطی آرام و پر از محبت و انجام وظایف خانوادگی با مسئولیت‌پذیری.

- در جامعه: مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و خیریه، کمک به همسایگان و نیازمندان.

۴. تقویت ایمان: انجام عبادات با اخلاص، مطالعه قرآن و احادیث، و دوری از گناه.

- در رفتار و گفتار: رعایت اخلاق اسلامی، صداقت، راستی و پرهیز از دروغ و غیبت.

- در تصمیم‌گیری‌ها: توجه به ارزش‌های الهی و دوری از وسوسه‌های مادی در انتخاب‌های زندگی.

۵. هوشیاری و دوری از فریب دنیا: توجه به ارزش‌های الهی و دوری از وسوسه‌های مادی در انتخاب‌های زندگی.

- در روابط اجتماعی: انتخاب دوستان خوب و دوری از افراد و محیط‌های گناه‌آلود.

- در مصرف: پرهیز از اسراف و مصرف‌گرایی، و توجه به نیازهای واقعی زندگی.

با رعایت این مراحل، انسان می‌تواند به سوی رستگاری گام بردارد و از فریب دنیا و آرزوهای بی‌پشتوانه دوری کند.

زندگی با آیه ها ۶

قیام برای خدا، عدالت و تقوا؛ راهی به سوی رضایت الهی

انسان باید همه چیز خود را به خداوند متعال تقدیم کند

موضوع امروز ما آیه هشتم از سوره مائده است، که خداوند متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ مائده: ۸

این آیه خطاب به مؤمنان است و از آنان می خواهد که در راه خدا قیام کنند، به عدالت شهادت دهند و اجازه ندهند دشمنی با گروهی، آنان را از عدالت دور کند. در ادامه، به شرح و تفسیر این آیه و مفاهیم عمیق آن می پردازیم.

تفسیر آیه و مفاهیم کلیدی

۱. قیام برای خدا:

- خداوند متعال در این آیه می فرماید: ﴿كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ﴾. "قوام" صیغه مبالغه از ریشه "قیام" است و به معنای ایستادگی و پایداری در راه خدا با تمام وجود است. این کلمه نشان دهنده بالاترین سطح فعالیت، هوشیاری و آمادگی است. قوام بودن به این معناست که انسان تمام انرژی، توان، علم، موقعیت و قدرت خود را در راه خدا به کار گیرد و همواره آماده باشد تا حتی گران بهاترین چیزهای خود را در این راه فدا کند.

۲. شهادت به عدالت

خداوند می‌فرماید: ﴿شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ﴾. یعنی مؤمنان باید گواهان عدالت باشند، حتی اگر این عدالت به ضرر خودشان تمام شود. عدالت در اسلام جایگاهی والا دارد و خداوند تأکید می‌کند که نباید دشمنی با گروهی، انسان را از اجرای عدالت بازدارد.

۳. پرهیز از تأثیر دشمنی بر عدالت:

- خداوند هشدار می‌دهد: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا﴾. "شَنَاٰن" به معنای دشمنی و کینه‌توزی است. خداوند به مؤمنان یادآوری می‌کند که حتی اگر با گروهی دشمنی دارند، نباید اجازه دهند این دشمنی آنان را از اجرای عدالت بازدارد. عدالت باید فارغ از هرگونه تعصب و کینه‌ورزی اجرا شود.

۴. عدالت، راه تقوا:

- خداوند می‌فرماید: ﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾. اجرای عدالت، انسان را به تقوا نزدیک‌تر می‌کند. تقوا به معنای پرهیزگاری و انجام کارهایی است که رضایت خداوند را در پی دارد. عدالت، یکی از مهم‌ترین مصادیق تقواست.

۵. تقوای الهی:

- در پایان آیه، خداوند می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾. خداوند به مؤمنان هشدار می‌دهد که از او بترسند، زیرا او به تمام اعمال آنان آگاه است. این آگاهی شامل نیت، اهداف و شرایطی است که انسان در آن قرار دارد.

نمونه‌های عملی از تاریخ اسلام:

۱. عدالت پیامبر (ص)

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است :

((إنما أهلك الذين من قبلکم أنهم كانوا إذا سرق فيهم الشريف تركوه، وإذا سرق فيهم الضعیف أقاموا علیه الحد، والله لو أن فاطمة بنت محمد سرقت لقطعت يدها.))

این حدیث نشان دهنده اهمیت عدالت در اسلام است، به گونه ای که حتی نزدیک ترین افراد به پیامبر نیز در صورت ارتکاب جرم، مجازات می شوند.

۲. عدالت عمر بن خطاب:

- در داستان جبله بن ایهیم، پادشاه غسانی که مسلمان شده بود، عمر بن خطاب به او دستور داد تا به بدوی فزاری که به او توهین کرده بود، رضایت دهد. وقتی جبله از انجام این کار سر باز زد، عمر به او هشدار داد که اگر عدالت را اجرا نکند، مجازات خواهد شد. این داستان نشان دهنده تساوی همه افراد در برابر قانون در اسلام است، حتی اگر یکی از آنان پادشاه و دیگری فردی عادی باشد.

خواسته خداوند متعال از بندگان در این آیه:

خداوند در این آیه از مؤمنان می خواهد:

۱. قیام برای خدا: تمام توان و انرژی خود را در راه خدا به کار گیرند و همواره آماده باشند تا در این راه از جان و مال خود بگذرند.
۲. شهادت به عدالت: در همه حال، حتی در برابر دشمنان، عدالت را رعایت کنند و گواهان راستین عدل باشند.
۳. پرهیز از تأثیر دشمنی بر عدالت: اجازه ندهند کینه توزی و دشمنی، آنان را از اجرای عدالت بازدارد.
۴. تقوای الهی: همواره از خداوند بترسند و بدانند که او به تمام اعمال و نیت آنان آگاه است.

شیوه اجرایی و عملی کردن این آیه:

۱. عدالت در رفتار شخصی:

- هر فرد باید در زندگی شخصی خود عدالت را رعایت کند، چه در خانواده، چه در محیط کار و چه در اجتماع. این عدالت شامل رفتار منصفانه با همه افراد، حتی کسانی که با آنان اختلاف نظر یا دشمنی دارند، می شود.

۲. عدالت در قضاوت:

- در مواجهه با اختلافات و دعاواها، باید بدون توجه به روابط شخصی یا دشمنی ها، به عدالت حکم کرد. این موضوع به ویژه برای کسانی که در موقعیت های قضایی یا مدیریتی قرار دارند، اهمیت دارد.

۳. تقویت روحیه قوام بودن:

- مؤمنان باید همواره خود را در راه خدا آماده نگه دارند و از هر فرصتی برای خدمت به دین و جامعه استفاده کنند. این آمادگی شامل فعالیت های علمی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

۴. آموزش و ترویج عدالت:

- عدالت باید به عنوان یک ارزش اساسی در جامعه ترویج شود. این کار از طریق آموزش، الگوسازی و تشویق افراد به رعایت عدالت در همه زمینه ها امکان پذیر است.

۵. پرهیز از تعصب و کینه توزی:

- مؤمنان باید همواره مراقب باشند که دشمنی با افراد یا گروه ها، آنان را از اجرای عدالت باز ندارد. این موضوع به ویژه در مواجهه با غیرمسلمانان اهمیت دارد، زیرا رفتار عادلانه با آنان می تواند باعث جذب آنان به اسلام شود.

۶. تقوای الهی:

- همواره باید به یاد داشت که خداوند به تمام اعمال و نیات انسان آگاه است. بنابراین، انجام هر کاری باید با نیت خالص و برای رضای خدا باشد.

نتیجه گیری:

آیه هشتم سوره مائده، مؤمنان را به قیام برای خدا، شهادت به عدالت و پرهیز از تأثیر دشمنی بر عدالت دعوت می‌کند. اجرای این دستورات نه تنها باعث تقرب به خداوند می‌شود، بلکه جامعه را به سمت تعالی و پیشرفت سوق می‌دهد. مؤمنان باید همواره عدالت را در همه جنبه‌های زندگی خود رعایت کنند و از هرگونه تعصب و کینه‌توزی دوری نمایند. این شیوه‌های عملی، راه‌هایی برای تحقق خواسته خداوند در این آیه هستند و می‌توانند جامعه اسلامی را به سوی صلح، عدالت و پیشرفت هدایت کنند.

زندگی با آیه ها ۷

مراقبت از نفس و توجه به روح و جسم

انسان موجودی است متشکل از سه بخش اساسی: نفس، روح و جسم. نفس، حقیقت و ذات انسان است که ایمان می آورد یا کفر می ورزد، شاد یا غمگین می شود، راضی یا خشمگین می گردد. نفس است که طعم مرگ را می چشد، اما هرگز نمی میرد. همان طور که خداوند در قرآن کریم می فرماید :

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ آل عمران: ۱۸۵

نفس است که در بهشت جاودان می ماند یا در جهنم عذاب می بیند. اما جسم، تنها قالب و ظرفی برای نفس است. جسم ابزاری است که از طریق آن نفس می بیند، می شنود و حرکت می کند. روح نیز نیروی محرکه ای است که بدون آن، جسم قادر به انجام هیچ کاری نیست. همان طور که برق نیروی محرکه دستگاه های الکتریکی است، روح نیز نیروی محرکه جسم است .

اهمیت مراقبت از نفس

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ مائده: ۱۰۵

این آیه به ما یادآوری می کند که باید به نفس خود توجه ویژه ای داشته باشیم، زیرا نفس است که جاودانه می ماند. جسم فانی است و هرچه برای آن تلاش کنیم، سرانجام به خاک بازمی گردد. اما نفس است که در آخرت یا در بهشت ساکن می شود یا در جهنم عذاب می بیند. همان طور که خداوند می فرماید :

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ شعراء: ۸۸-۸۹

حضرت عمر (رضی الله عنه) نیز می فرماید: "تعاهد قلبک" (از قلب خود مراقبت کن). بیماری های جسمی با مرگ پایان می یابند، اما بیماری های نفس پس از مرگ آغاز می شوند. بنابراین، هر تلاشی که برای جسم انجام می دهیم، اگر به قیمت غفلت از نفس باشد، زیان بار است .

تزکیه نفس و اهمیت آن

خداوند در قرآن کریم می فرماید :

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ شمس: ۹ و نیز می فرماید : ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ مؤمنون: ۱

فلاح و رستگاری واقعی در این است که نفس خود را تزکیه کنیم، آن را به شناخت خداوند و اطاعت از او واداریم. زیرا پس از مرگ، جسم به خاک بازمی گردد، اما نفس است که یا در بهشت سعادتمند می شود یا در جهنم عذاب می بیند .

معانی آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ﴾

این آیه چندین معنی دارد :

۱. اگر شما به راه راست هدایت شده اید، گمراهی دیگران به شما ضرری نمی زند .
۲. اگر نفس خود را تزکیه کرده و به طاعت خداوند وادارید، گمراهان نمی توانند به شما آسیب برسانند .
۳. در زمان های فتنه و گمراهی، باید بیشتر مراقب نفس خود باشید و آن را به شناخت خداوند و اطاعت از او وادارید .

همان طور که در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است :

"إِذَا رَأَيْتَ شِحَاءَ مَطَاعاً، وَهَوًى مُتَبِعاً، وَإِعْجَابَ كُلِّ ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ فَالْزَمِ بَيْتَكَ، وَأَمْسِكْ لِسَانَكَ، وَخُذْ مَا تَعْرِفُ، وَدَعْ مَا تَنْكَرُ، وَعَلَيْكَ بِخَاصَّةِ نَفْسِكَ، وَدَعْ عَنكَ أَمْرَ الْعَامَّةِ"

اگر دیدید که بخل پیروی می شود، هوی و هوس دنبال می شود و هر کسی به رأی خود مغرور است، به خانه خود بازگردید، زبان خود را نگه دارید، آنچه را می شناسید بگیرید و آنچه را نمی شناسید رها کنید و به نفس خود پردازید و از کارهای عمومی دوری کنید.

قلب، منظر خداوند

قلب انسان، منظر خداوند است. همان طور که در برخی از آثار قدسی آمده است :

"عبدی طهرت منظر الخلق سنین أفلا طهرت منظری ساعة؟"

ای بنده من، سال ها منظر خلق را پاکیزه کردی، آیا نمی توانی ساعتی منظر مرا پاکیزه کنی؟

منظر خداوند، قلب انسان است. خداوند به قلب ها و اعمال ما نگاه می کند، نه به ظواهر و جسم ما. بنابراین، باید بیشتر از هر چیز به پاکیزگی قلب خود توجه کنیم .

خواسته خداوند متعال از بندگان

خداوند متعال در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ از ما می خواهد که به نفس خود توجه کنیم و آن را از گناهان و آلودگی ها پاک نگه داریم. این خواسته الهی را می توان به شیوه های زیر در زندگی عملی کرد :

۱. تزکیه نفس: با انجام اعمال صالح، دوری از گناهان و توبه های مکرر، نفس خود را پاکیزه نگه داریم .
۲. شناخت خداوند: با مطالعه قرآن، احادیث و تفکر در آیات الهی، شناخت خود را از خداوند افزایش دهیم .

۳. اطاعت از خداوند: با انجام واجبات و ترک محرمات، خود را به اطاعت خداوند واداریم .

۴. مراقبت از قلب: با دوری از حسد، کبر و غرور، قلب خود را پاک نگه داریم و آن را به محبت خداوند و خلق او آراسته کنیم .

۵. دوری از گمراهی: در زمانهای فتنه و گمراهی، بیشتر مراقب نفس خود باشیم و از پیروی هوی و هوس پرهیزیم .

شیوه‌های اجرایی و عملی کردن مراقبت از نفس در زندگی

خداوند متعال در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ از ما می‌خواهد که به نفس خود توجه کنیم و آن را از گناهان و آلودگی‌ها پاک نگه داریم. این دستور الهی را می‌توان به شیوه‌های عملی زیر در زندگی اجرا کرد.

۱. تزکیه نفس (پاکسازی درون)

- عمل صالح: انجام کارهای نیک مانند کمک به نیازمندان، صدقه دادن، احسان به والدین و رعایت حقوق دیگران.
- دوری از گناه: پرهیز از گناهان کوچک و بزرگ، مانند غیبت، دروغ، حسد و تکبر.
- توبه و استغفار: پس از ارتکاب گناه، بلافاصله توبه کرده و از خداوند طلب بخشش کنیم.
- محاسبه نفس: هر شب قبل از خواب، اعمال روزانه خود را بررسی کنیم و برای بهبود آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم.

۲. شناخت خداوند (تقویت ایمان)

- مطالعه قرآن: روزانه حتی چند آیه از قرآن را با تدبر تلاوت، و در معانی آن تفکر کنیم.

خواندن احادیث: با مطالعه احادیث پیامبر (ص) و سیره مبارک ایشان و صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین، راه‌های تقرب به خداوند را بیاموزیم.

- تفکر در آیات الهی: در نشانه‌های خداوند در طبیعت و زندگی خود تأمل کنیم تا ایمان مان تقویت شود.

۳. اطاعت از خداوند (عمل به دستورات دینی)

- انجام واجبات: نماز، روزه، زکات و دیگر واجبات را به موقع و با خلوص نیت انجام دهیم.
- ترک محرمات: از کارهایی که خداوند حرام کرده است، مانند ربا، غیبت و ظلم، دوری کنیم.
- دعا و نیایش: با دعا کردن، ارتباط خود را با خداوند تقویت کنیم و از او کمک بخواهیم.

۴. مراقبت از قلب (پاکسازی باطن)

- دوری از حسد و کبر: با تمرین فروتنی و رضایت به قضای الهی، قلب خود را از بیماری‌های روحی پاک کنیم.
- محبت به دیگران: با بخشش، مهربانی و کمک به دیگران، قلب خود را از کینه و غلظه پاک نگه داریم.
- ذکر خداوند: با گفتن ذکرهایی مانند "لا إله إلا الله" یا "استغفر الله"، قلب خود را به یاد خداوند مشغول کنیم.

۵. دوری از گمراهی (پایداری در راه حق)

- انتخاب دوستان خوب: با افراد نیکوکار و متدین معاشرت کنیم تا تحت تأثیر آن‌ها قرار بگیریم.
- پرهیز از هوی و هوس: از پیروی کورکورانه از خواسته‌های نفسانی و دنیوی پرهیزیم.
- مقاومت در برابر فتنه‌ها: در زمان‌های فتنه و گمراهی، با تکیه بر ایمان و عقل، راه حق را انتخاب کنیم.

۶. توجه به آخرت (هدف گذاری برای زندگی ابدی)

- یاد مرگ: با یادآوری مرگ و قیامت، خود را برای زندگی ابدی آماده کنیم.
- انفاق و صدقه: بخشی از مال خود را در راه خدا انفاق کنیم تا برای آخرت خود ذخیره ای داشته باشیم.
- عمل برای آخرت: در همه کارها نیت خود را برای رضای خداوند قرار دهیم و به پاداش اخروی بیندیشیم.

۷. تعلیم و تربیت نفس (رشد معنوی)

- شرکت در جلسات مذهبی: در مجالس قرآن، دعا و سخنرانی های دینی شرکت کنیم.
- مطالعه کتاب های اخلاقی: با مطالعه کتاب هایی مانند "احیاء علوم الدین"، راه های رشد معنوی را بیاموزیم.
- همراهی با استادان اخلاق: از راهنمایی های افراد باتقوا و عالم برای بهبود نفس خود استفاده کنیم.

نتیجه گیری

با عمل به این شیوه های عملی، می توانیم به دستور خداوند در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ پاسخ دهیم و نفس خود را برای زندگی ابدی آماده کنیم. این کار نه تنها باعث سعادت دنیوی ما می شود، بلکه سرنوشت اخروی ما را نیز تضمین می کند. با تزکیه نفس، اطاعت از خداوند و مراقبت از قلب، می توانیم به فلاح و رستگاری واقعی دست یابیم.

آیه های زندگی ۸

اهمیت زینت و پرهیز از اسراف در زندگی

خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره اعراف می فرماید :

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد بگیرید و بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف کاران را دوست ندارد.

این آیه به دو موضوع مهم اشاره می کند :

زینت و پرهیز از اسراف. زینت در اینجا نه تنها به معنای پوشیدن لباس های زیبا و تمیز است، بلکه شامل رفتار و اعمال نیک نیز می شود .

زینت در اسلام

پیامبر اکرم (ص) در مورد اهمیت نظافت و آراستگی می فرماید :

أصلحوا رجالكم ، وحسنوا لباسكم ، حتى تكونوا كأنكم شامة بين الناس

مركب های خود را اصلاح کنید و لباس های خود را زیبا نمایید، تا همچون خال زیبایی در میان مردم باشید.

(احمد عن سهل بن الحنظلية)

همچنین ایشان می فرمایند :

من كان له شعر فليكرمه

هرکس مویی دارد، باید آن را گرامی بدارد (ابو داود و البیهقی در شعب الایمان عن ابی هریره)
این روایات نشان می دهند که اسلام به نظافت و آراستگی ظاهری اهمیت زیادی می دهد، به ویژه هنگام حضور در مکان های مقدس مانند مساجد .

زینت ظاهری و معنوی

زینت در آیه فوق دو معنا دارد :

۱. زینت ظاهری: پوشیدن لباس های تمیز و مناسب هنگام حضور در مسجد .
 ۲. زینت معنوی: انجام اعمال صالح و خدمت به خلق خدا به عنوان هدیه ای برای خداوند .
- خداوند از ما می خواهد که هنگام حضور در مسجد، نه تنها از نظر ظاهری آراسته باشیم، بلکه با اعمال نیک و خدمت به دیگران، زینت معنوی نیز داشته باشیم. این خدمت می تواند شامل کمک به نیازمندان، نصیحت خیرخواهانه، یا هر عمل نیک دیگری باشد که رضایت خداوند را جلب کند .

پرهیز از اسراف

در ادامه آیه، خداوند می فرماید :

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف کاران را دوست ندارد .

اسراف نه تنها در خوردن و آشامیدن، بلکه در هر زمینه‌ای مذموم است. خداوند از ما می‌خواهد که در استفاده از نعمت‌هایش تعادل را رعایت کنیم. اسراف باعث آسیب به سلامت جسمی و روحی می‌شود و جامعه را نیز دچار مشکلات اقتصادی و اخلاقی می‌کند .

خواسته خداوند از بندگان

خداوند در این آیه از ما دو چیز می‌خواهد :

۱. زینت و آراستگی: هنگام حضور در مسجد و دیگر مکان‌های مقدس، هم از نظر ظاهری و هم از نظر معنوی، آراسته باشیم .
۲. پرهیز از اسراف: در استفاده از نعمت‌های الهی تعادل را رعایت کنیم و از زیاده‌روی پرهیزیم .

شیوه اجرایی و عملی کردن این دستور در زندگی

برای عملی کردن این دستور الهی، می‌توانیم به شیوه‌های زیر عمل کنیم :

۱. نظافت و آراستگی ظاهری :
 - هنگام حضور در مسجد، لباس‌های تمیز و مناسب بپوشیم .
 - به نظافت شخصی و بهداشت محیط زندگی خود توجه کنیم .
۲. زینت معنوی :
 - با انجام اعمال صالح مانند کمک به نیازمندان، نصیحت خیرخواهانه و خدمت به جامعه، زینت معنوی خود را افزایش دهیم .
 - قبل از حضور در مسجد، به فکر هدیه‌ای برای خداوند باشیم؛ این هدیه می‌تواند یک عمل نیک یا خدمتی به دیگران باشد .

۳. پرهیز از اسراف :

- در خوردن و آشامیدن تعادل را رعایت کنیم و از پرخوری و زیاده‌روی پرهیزیم .
- در استفاده از منابع طبیعی مانند آب و برق، صرفه‌جویی کنیم .
- از خریدهای غیرضروری و تجملات بی‌مورد خودداری کنیم .

۴. تعادل در زندگی :

- در همه جنبه‌های زندگی، از کار و تفریح تا عبادت و استراحت، تعادل را حفظ کنیم .
 - از هرگونه زیاده‌روی در امور مادی و معنوی پرهیزیم .
- برای اجرایی و عملی کردن آیه ۳۱ سوره اعراف در زندگی، می‌توانیم به شیوه‌های زیر عمل کنیم:

۱. نظافت و آراستگی ظاهری

- لباس مناسب و تمیز: هنگام حضور در مسجد یا هر مکان مقدس، لباس‌های تمیز و مناسب بپوشیم. این کار نه تنها احترام به مکان مقدس است، بلکه نشان‌دهنده توجه به دستورات الهی است.
- نظافت شخصی: به بهداشت فردی مانند نظافت بدن، موها و لباس‌ها توجه کنیم. این کار باعث می‌شود همیشه آراسته و آماده‌ی عبادت باشیم.
- پاکیزگی محیط: محیط زندگی خود را تمیز و مرتب نگه داریم. این شامل خانه، محل کار و حتی محیط‌های عمومی است.

۲. زینت معنوی

- اعمال صالح: با انجام کارهای نیک مانند کمک به نیازمندان، صدقه دادن، و مشارکت در امور خیریه، زینت معنوی خود را افزایش دهیم.

- اخلاق نیکو: با رفتار خوب و اخلاق پسندیده با دیگران تعامل کنیم. این شامل رعایت ادب، احترام و مهربانی با همه‌ی افراد است.

- خدمت به جامعه: در فعالیتهای اجتماعی و خدماتی شرکت کنیم و سعی کنیم به دیگران کمک کنیم. این کارها می‌تواند شامل آموزش، مشاوره و یا هر نوع خدمت دیگری باشد.

۳. پرهیز از اسراف

- تعادل در خوردن و آشامیدن: از پرخوری و زیاده‌روی در مصرف غذا و نوشیدنی‌ها پرهیزیم. این کار نه تنها به سلامت جسمی کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود از نعمت‌های الهی به درستی استفاده کنیم.

- صرفه‌جویی در منابع: در استفاده از منابع طبیعی مانند آب، برق و گاز صرفه‌جویی کنیم. این کار باعث حفظ محیط زیست و کاهش هزینه‌ها می‌شود.

- خریدهای ضروری: از خریدهای غیرضروری و تجملاتی خودداری کنیم. این کار باعث می‌شود در مصرف منابع مالی تعادل را رعایت کنیم.

۴. تعادل در زندگی

- تعادل بین کار و عبادت: بین کار، عبادت و استراحت تعادل برقرار کنیم. این کار باعث می‌شود هم به وظایف دنیوی و هم به وظایف دینی خود به خوبی عمل کنیم.

- پرهیز از زیاده‌روی: در همه‌ی جنبه‌های زندگی، از زیاده‌روی پرهیزیم. این شامل کار، تفریح، عبادت و حتی خواب است.

۵. آموزش و ترویج

- آموزش به دیگران: با آموزش این اصول به خانواده، دوستان و جامعه، فرهنگ زینت و پرهیز از اسراف را ترویج دهیم.

- الگو بودن: با عمل به این اصول، الگویی برای دیگران باشیم. این کار باعث می شود دیگران نیز به این دستورات الهی عمل کنند.

نتیجه گیری

خداوند در این آیه به ما یادآوری می کند که زینت و پرهیز از اسراف دو اصل مهم در زندگی یک مؤمن هستند. با رعایت این اصول، نه تنها به سلامت جسمی و روحی خود کمک می کنیم، بلکه جامعه ای متعادل و سالم نیز خواهیم ساخت.

زندگی با آیه‌ها ۹

ضرورت اصلاح ذات‌البین

برادران گرامی، برخی از مسلمانان گمان می‌کنند که دستورات دین تنها به پنج عبادت اصلی که در ارکان پنج‌گانه اسلام اشاره شده است، محدود می‌شود؛ یعنی نماز، روزه، حج، زکات و شهادتین. اما حقیقت این است که هر دستوری در قرآن کریم حاکی از وجوب است. هر امری در قرآن کریم الزام‌آور است. بنابراین، شما با هزاران، بلکه ده‌ها هزار دستور الهی مواجه هستید. اگر واقعاً مؤمن باشید، هر آیه‌ای که خطاب به مؤمنان است، حاوی یک دستور است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ توبه: ۱۱۹

این یک دستور است :

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾ انفال: ۱

این هم یک دستور است :

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ بقره: ۴۳

این نیز یک دستور است. پس هر دستوری در قرآن کریم حاکی از وجوب است. وقتی کلام خداوند متعال را می‌خوانید، به افعال امر توجه کنید. اگر دستوری داده شد و شما به سمت اجرای آن حرکت نکردید، پس مؤمن نیستید. حال این دستور چیست؟

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ

مُؤْمِنِينَ﴾ انفال: ۱

ذات البین چیست؟ ذات البین همان نفس است که در درون شماست. شما الآن مأمور هستید توسط آیه ای که دلالت و ثبوت آن قطعی است، که ذات البین خود را اصلاح کنید. چگونه ذات البین خود را اصلاح می کنید؟ با پاک سازی آن از آلودگی ها و آراستن آن به کمالات. بیماری های نفس بسیارند: تکبر، خودخواهی، بی انصافی، تبعیض، نفاق، خودبینی، کینه توزی و قساوت قلب .

﴿أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾

با پاک سازی نفس خود از نقص ها، آلودگی ها و بیماری ها. این بیماری ها هستند که صاحب خود را در روز قیامت عذاب می دهند. بیماری های جسمی با مرگ پایان می یابند، اما بیماری های نفس تأثیرات منفی و دردناک خود را از مرگ آغاز می کنند. خداوند متعال می فرماید :

﴿أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾

فقط پاک سازی نفس از آلودگی ها کافی نیست، بلکه باید آن را با کمالات آراسته کنید: با رحمت، انصاف، ایثار، فداکاری، احترام، التزام و تواضع. این معنی اول است.

معانی اصلاح ذات البین :

این آیه سه معنی دارد :

۱. اصلاح نفس خود :

دلیل آن این آیه است :

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ شعراء: ۸۹-۸۸

بخشی از وقت شما باید صرف تأمل در درون خود شود. آیا خطاهایی وجود دارد؟ آیا بیماری‌های نفسانی وجود دارد؟ آیا کینه‌توزی، تکبر، خودبینی، تبعیض، نفاق و دروغ‌گویی در شما وجود دارد؟ اینها همه بیماری‌هایی هستند که صاحب خود را هلاک می‌کنند. پس از اینکه خداوند شما را از این بیماری‌ها پاک کرد، آیا در شما بخشش، رحمت و کرامت وجود دارد؟ پاک‌سازی و آراستن نفس، تطهیر و تنویر آن.

۲. اصلاح روابط خود با دیگران :

﴿أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾

یعنی روابط خود با دیگران را اصلاح کنید. نباید بین شما و دیگران قطع رابطه، دشمنی یا کینه‌توزی وجود داشته باشد. مانند روابط مالی یا اجتماعی بد .

﴿أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾

روابط خود با مؤمنان را اصلاح کنید، زیرا آنها سزاوارترین افراد به محبت شما هستند. همچنین روابط خود با دیگران را اصلاح کنید. گاهی با یک عذرخواهی یا حل مشکل، روابط بهبود می‌یابد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند :

تهادوا فإن الهدیه تذهب وحر الصدر. رواه الترمذی

یعنی به یکدیگر هدیه بدهید، زیرا هدیه کینه را از بین می‌برد. عذرخواهی، اعتراف به خطا، ادای حقوق و تقدیم هدیه می‌تواند روابط بد را بهبود بخشد.

۳. اصلاح روابط بین دیگران :

انسان مؤمن همیشه اصلاح‌کننده است و نه مفسد. او همیشه پیونددهنده است و نه قطع‌کننده. اگر به خانه خواهرتان رفتید و از شوهر او تعریف کردید، بین آنها صلح برقرار می‌کنید. اما اگر از شوهر او بدگویی کنید،

بین آنها فاصله می اندازید. مؤمن همیشه بین زوجین، برادران، شرکا، پدر و پسر، و دوستان صلح برقرار می کند. شیطان همیشه مفسد است و رابطه ها را قطع می کند.

برائت پیامبر از کسانی که بین مردم تفرقه می اندازند :

پیامبر اکرم (ص) فرمودند :

لیس منا من فرق

یعنی کسی که بین مردم تفرقه بیندازد، از ما نیست. گاهی بین علما یا دعاء اختلاف می افتد، زیرا نقل قولها نادرست است. مؤمن همیشه اصلاح کننده است و نه مفسد.

حدیث پایانی :

پیامبر اکرم (ص) فرمودند :

«أَمَرَنِي رَبِّي بِتَسْعٍ: خَشْيَةِ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَكَلِمَةِ الْعَدْلِ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا، وَالْقَصْدِ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَأَنْ أَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي، وَأَعْطِيَ مَنْ حَرَمَنِي، وَأَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي، وَأَنْ يَكُونَ صَمْتِي فِكْرًا، وَنُطْقِي ذِكْرًا، وَنَظَرِي عِبْرَةً»
أُخْرِجَهُ زِيَادَاتِ رَزِينِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

یعنی: پروردگارم به من نه چیز را امر کرده است: ترس از خدا در پنهان و آشکار، گفتن کلمه عدل در خشم و خشنودی، میانروی در فقر و ثروت، پیوند با کسی که از من قطع رابطه کرده، بخشیدن به کسی که مرا محروم کرده، عفو کردن کسی که به من ظلم کرده، و اینکه سکوت من اندیشه، سختم ذکر و نگاهم عبرت باشد.

خواسته خداوند متعال در این آیه :

خداوند متعال در آیه ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾ از بندگان خود می خواهد که تقوای الهی پیشه کنند و روابط خود را با دیگران اصلاح نمایند. این دستور شامل سه مرحله است :

۱. اصلاح نفس: پاک‌سازی درون از رذایل اخلاقی و آراستن آن به فضایل .
۲. اصلاح روابط با دیگران: بهبود بخشیدن به روابط با اطرافیان از طریق عذرخواهی، ادای حقوق و تقدیم هدیه .
۳. اصلاح روابط بین دیگران: میانجی‌گری و ایجاد صلح بین افراد درگیر.

شیوه اجرایی و عملی کردن این دستور در زندگی :

۱. تأمل درونی: هر روز زمانی را به بررسی درون خود اختصاص دهید و از خطاها و بیماری‌های نفسانی خود آگاه شوید .
 ۲. تطهیر نفس: با توبه و استغفار، نفس خود را از رذایل اخلاقی پاک کنید .
 ۳. تحلیل نفس: با تمرین فضایل اخلاقی مانند رحمت، انصاف و ایثار، نفس خود را آراسته کنید .
 ۴. اصلاح روابط: در صورت وجود اختلاف با دیگران، با عذرخواهی، ادای حقوق و تقدیم هدیه، روابط خود را بهبود بخشید .
 ۵. میانجی‌گری: در صورت مشاهده اختلاف بین دیگران، با گفت‌وگوی مناسب و ایجاد تفاهم، میانجی‌گری کنید .
 ۶. تداوم در اصلاح: اصلاح ذات‌البین یک فرآیند مستمر است که نیاز به توجه و تلاش مداوم دارد.
- با اجرای این دستورات، نه تنها زندگی فردی و اجتماعی خود را بهبود می‌بخشید، بلکه رضایت خداوند متعال را نیز جلب خواهید کرد.

زندگی با آیه ها ۱۰

درس هایی از بدر و حنین

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ﴾ (۲۵) ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿(۲۶)﴾ توبه: ۲۵-۲۶

خداوند متعال در این آیات می فرماید :

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ﴾

یعنی زمانی که شما را یاری نکرد، زیرا در روز حنین، شما به تعداد زیاد خود مغرور شدید و این کثرت برای شما سودی نداشت. زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد و شما پشت به دشمن کردید و فرار کردید.

در حدیث شریف آمده است :

لو لم تذبخوا لخفت عليكم ما هو أكبر يا رسول الله ما هو الشيء الذي هو أكبر من الذنب؟ قال عليه الصلاة والسلام: العجب! العجب!

یعنی اگر گناه نمی کردید، از چیزی بزرگتر بر شما می ترسیدم. آن چیز بزرگتر از گناه چیست؟ پیامبر (ص) فرمودند: خودبینی! خودبینی!

انسان وقتی به خودش مغرور شود، از خدا بی نیاز می شود و این غرور، حجابی بین او و خداوند متعال می شود.

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ﴾

خداوند بارها شما را یاری کرده است، اما در اینجا شما را یاری نکرد، زیرا در روز حنین به تعداد زیاد خود مغرور شدید و این کثرت برای شما سودی نداشت. زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد و شما پشت به دشمن کردید و فرار کردید. حال به آیه ای دیگر توجه کنید :

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ﴾ آل عمران: ۱۲۳

معنی «أَذِلَّةٌ» این است که شما در بدر، خود را نیازمند و متواضع در برابر خدا می دیدید و از قدرت خود بی نیاز بودید و به خدا توکل کردید.

این دو آیه، به ما نشان می دهند که هر مؤمنی در طول روز بارها بین دو حالت قرار می گیرد :

۱. حالت بدر: زمانی که به خدا توکل می کند و خداوند او را یاری می کند .

۲. حالت حنین: زمانی که به خودش مغرور می شود و خداوند از او دور می شود.

اگر در بدر، شما به خدا توکل کردید و خداوند شما را یاری کرد، در حنین، به تعداد زیاد خود مغرور شدید و خداوند از شما دور شد. حتی اگر رسول خدا (ص) و اصحاب او با شما باشند، باز هم اگر به خودتان مغرور شوید، خداوند از شما دور می شود. پس ما که هستیم؟ اگر به خودمان مغرور شویم، چه انتظاری داریم؟

این درس به ما می گوید که در هر موقعیتی که قرار می گیرید، اگر بگویید: «خداوندا، من هیچ چیز نیستم و تنها به تو توکل می کنم»، خداوند شما را یاری می کند. اما اگر بگویید: «من با دانشم، با ثروتم، با قدرت ام»، خداوند از شما دور می شود. در طول روز، بارها بین این دو حالت قرار می گیرید: اگر به خدا توکل کنید، خداوند شما را یاری می کند و اگر به خودتان مغرور شوید، خداوند از شما دور می شود.

نمونه‌هایی از زندگی روزمره :

- اگر پزشکی قبل از عمل جراحی بگوید: «خداوندا، من به تو توکل می‌کنم و از قدرت خود بی‌نیازم»، خداوند او را یاری می‌کند .

- اگر تاجری قبل از انجام معامله بگوید: «خداوندا، من به تو توکل می‌کنم»، خداوند او را موفق می‌کند .

- اما اگر کسی به خودش مغرور شود و بگوید: «من با دانشم، با تجربه‌ام»، ممکن است مرتکب اشتباهات بزرگی شود.

چهار کلمه هلاکت آور :

در قرآن کریم، چهار کلمه ذکر شده است که باعث هلاکت انسان می‌شود :

۱. انا (من): شیطان گفت :

﴿إِنَّا خَيْرٌ مِّنْهُ﴾

و خداوند او را هلاک کرد .

۲. نحن (ما): قوم بلقیس گفتند :

﴿قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾ نمل: ۳۳

و خداوند آن‌ها را هلاک کرد .

۳. لی (برای من): فرعون گفت :

﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ﴾ زخرف: ۵۱

و خداوند او را هلاک کرد .

۴. عندی (نزد من): قارون گفت :

﴿قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي﴾ قصص: ۷۸

و خداوند او را هلاک کرد.

خواسته خداوند متعال در این آیات :

خداوند متعال در این آیات از بندگان خود می‌خواهد که در همه حال به او توکل کنند و از خودبینی و غرور بپرهیزند. او به ما یادآوری می‌کند که تنها با توکل به او می‌توانیم موفق شویم و هرگونه اعتماد به نفس بی‌جا و غرور، ما را از رحمت و یاری او دور می‌کند.

شیوه اجرایی و عملی کردن این دستور در زندگی :

۱. توکل به خدا: قبل از هر کاری، حتی امور کوچک، به خدا توکل کنید و بگویید: «خداوند، من به تو توکل می‌کنم و از قدرت خود بی‌نیازم.»
۲. پرهیز از خودبینی: از غرور و خودبینی بپرهیزید و همیشه به یاد داشته باشید که همه چیز از خداوند است .
۳. تذکر دائمی: در طول روز، بارها به خود یادآوری کنید که تنها با توکل به خدا می‌توانید موفق شوید .
۴. نمونه‌های عملی: در موقعیت‌های مختلف، مانند انجام کارهای روزمره، تصمیم‌گیری‌های مهم، و مواجهه با مشکلات، به خدا توکل کنید و از او کمک بخواهید .
۵. دعا و نیایش: از دعا و نیایش به عنوان ابزاری برای تقویت توکل خود استفاده کنید. دعاهایی مانند «لا حول ولا قوة إلا بالله» را زیاد تکرار کنید.

نتیجه گیری :

مؤمن همیشه باید به خدا توکل کند و از خودش بی نیاز باشد. اگر به خدا توکل کند، خداوند او را یاری می کند و اگر به خودش مغرور شود، خداوند از او دور می شود. بنابراین، قبل از هر کاری، به خدا توکل کنید و بگویید: «خداوندا، من به تو توکل می کنم و از قدرت خود بی نیازم».



زندگی با آیه ها ۱۱

پرهیز از غفلت و اهمیت جهاد در راه خدا

خداوند متعال در آیه ۸۱ و ۸۲ سوره توبه می فرماید :

﴿فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (۸۱) فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلَيُكْفَوْنَ كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۲)﴾

«* کسانی که از همراهی با رسول خدا بازماندند، به خاطر نشستن در خانه هایشان خوشحال شدند و از اینکه با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند، کراهت داشتند و گفتند: در این گرما به جنگ نروید. بگو: آتش جهنم سوزان تر است، اگر می فهمیدند. پس باید کم بخندند و بسیار بگریند، این است جزای آنچه انجام می دادند *».

این آیات به رفتار منافقانی اشاره می کند که به جای همراهی با رسول خدا (ص) و جهاد در راه خدا، ترجیح دادند در خانه های خود بمانند و از تلاش و فداکاری در راه دین سرباز زنند. خداوند با بیان این آیات، به ما هشدار می دهد که غفلت از مسئولیت های دینی و فرار از جهاد در راه خدا، عواقب سختی در پی خواهد داشت.

تفسیر آیات

۱. خوشحالی منافقان از بازماندن از جهاد :

منافقان به جای همراهی با رسول خدا (ص) و شرکت در جهاد، از ماندن در خانه های خود خوشحال بودند. آنها نه تنها از جهاد با مال و جان خود امتناع کردند، بلکه دیگران را نیز از این کار باز می داشتند و بهانه هایی مانند گرمای هوا می آوردند.

۲. هشدار درباره عذاب جهنم :

خداوند به آنان هشدار می دهد که آتش جهنم به مراتب سوزانتر از گرمای دنیاست. این هشدار نشان می دهد که عذاب آخرت بسیار شدیدتر از سختی های دنیوی است و انسان باید با درک این حقیقت، از غفلت و سستی دوری کند .

۳. عاقبت منافقان :

خداوند می فرماید که این منافقان باید کم بخندند و بسیار بگریند، زیرا عاقبت اعمالشان جزای سختی خواهد بود. این بیان نشان می دهد که خوشی های زودگذر دنیوی در مقابل عذاب ابدی جهنم، ارزشی ندارند.

خواسته خداوند از بندگان

خداوند در این آیات از بندگان می خواهد که :

۱. از غفلت و سستی دوری کنند :

بنندگان باید از غفلت و سستی در انجام وظایف دینی خود بپرهیزند و به جای فرار از مسئولیت ها، با تمام توان در راه خدا تلاش کنند .

۲. جهاد با مال و جان :

خداوند از بندگان می خواهد که با مال و جان خود در راه او جهاد کنند و از هیچ تلاشی در این راه دریغ نورزند .

۳. توجه به عذاب آخرت :

بندگان باید به یاد داشته باشند که عذاب آخرت بسیار شدیدتر از سختی های دنیوی است و باید با درک این حقیقت، از گناهان و غفلت ها دوری کنند.

شیوه اجرایی و عملی کردن این دستور در زندگی

برای عملی کردن این دستور الهی، می توانیم به شیوه های زیر عمل کنیم :

۱. تلاش در راه خدا :

- در راه خدا با مال و جان خود تلاش کنیم و از هیچ فداکاری در این راه دریغ نکنیم .
- در انجام وظایف دینی خود کوشا باشیم و از سستی و تنبلی دوری کنیم .

۲. پرهیز از غفلت :

- همواره به یاد خدا باشیم و از غفلت و بی توجهی به دستورات الهی بپرهیزیم .
- در زندگی روزمره، اولویت را به انجام کارهایی بدهیم که رضایت خداوند را جلب می کنند .

۳. توجه به عذاب آخرت :

- همواره به یاد عذاب آخرت باشیم و با درک این حقیقت، از گناهان و نافرمانی های خداوند دوری کنیم .
- با انجام اعمال صالح و جهاد در راه خدا، خود را از عذاب جهنم نجات دهیم .

۴. تشویق دیگران به انجام وظایف دینی :

- دیگران را نیز به انجام وظایف دینی و جهاد در راه خدا تشویق کنیم و از بازداشتن آنها از این کار بپرهیزیم .

نتیجه گیری

خداوند در این آیات به ما یادآوری می کند که غفلت از مسئولیت های دینی و فرار از جهاد در راه خدا، عواقب سختی در پی خواهد داشت. با تلاش در راه خدا، پرهیز از غفلت و توجه به عذاب آخرت، می توانیم از عذاب جهنم در امان بمانیم و به رضایت خداوند دست یابیم .

خواسته خداوند در این آیات: پرهیز از غفلت، جهاد با مال و جان در راه خدا و توجه به عذاب آخرت .

شیوه اجرایی: تلاش در راه خدا، پرهیز از غفلت، توجه به عذاب آخرت و تشویق دیگران به انجام وظایف دینی .



زندگی با آیه ها ۱۲

استفاده از روش داستان گویی در تربیت و هدایت

آخرین آیات سوره هود، به ویژه آیات ۱۲۰ و ۱۲۳، به ما نشان می دهند که یکی از مؤثرترین روش های تربیتی و هدایتی، استفاده از داستان های واقعی و الهام بخش است. خداوند متعال در آیه ۱۲۰ سوره هود می فرماید:

﴿وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾

این آیه بیان می کند که داستان های پیامبران و صالحان، نه تنها قلب پیامبر (ص) را تقویت می کند، بلکه برای مؤمنان نیز موعظه و یادآوری است. داستان هایی که از قهرمانی ها، ایمان و صداقت سخن می گویند، روحیه انسان را بالا می برند و او را به سوی خوبی ها سوق می دهند. این روش تربیتی، هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر جای می گذارد.

داستان های مثبت و تأثیر آن در تربیت

اگر داستان هایی که برای دیگران نقل می کنیم، مربوط به افراد صالح، مؤمنان راستین و قهرمانان باشد، این داستان ها می توانند روحیه انسان را تقویت کنند. برعکس، داستان هایی که از پستی ها و زشتی های انسان سخن می گویند، تنها باعث ناامیدی و اشمئزاز می شوند. بنابراین، به عنوان پدر، مادر، معلم یا مربی، باید از داستان های الهام بخش و واقعی استفاده کنیم تا نتیجه مثبتی در تربیت افراد داشته باشیم. این روش نه تنها در تربیت فرزندان، بلکه در آموزش عمومی و حتی در محیط های کاری نیز کاربرد دارد.

ضرورت شناخت پیامبر (ص) به عنوان الگو

خداوند در آیه ۱۲۰ سوره هود به پیامبرش می‌فرماید که داستان‌های پیامبران را برای او نقل می‌کند تا قلبش آرامش یابد. اگر پیامبر (ص) با شنیدن داستان‌های پیامبران و صالحان، قلبش تقویت می‌شد، ما نیز با شنیدن داستان‌های زندگی پیامبر (ص) و اخلاق والای او، می‌توانیم روح خود را پاک و به مقامات عالی برسانیم. شناخت پیامبر (ص) به عنوان الگوی کامل، نه تنها در بعد فردی، بلکه در بعد اجتماعی نیز می‌تواند جامعه را به سوی تعالی سوق دهد.

> (أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ) (۶۹) * مؤمنون ۶۹

این آیه تأکید می‌کند که باید پیامبر خود را بشناسیم، زیرا او الگوی کامل برای ماست. برگزاری جشن‌های میلاد پیامبر (ص) و نقل داستان‌های اخلاقی و رفتاری او، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه عملی پسندیده و مطابق با دستورات الهی است.

روش تربیتی مؤثر در آموزش و دعوت به خدا

در آیه ۴۶ سوره سبأ، خداوند می‌فرماید:

> (قُلْ إِنَّمَا أَعْظِيكُمْ بَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ ثُمَّ تَذَرُونَ مَا بَصَحِبْتُمْ مِنْ حِجَّتِهِ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ) (۴۶) *

این آیه به ما یادآوری می‌کند که باید در مورد دین خود تفکر کنیم و آن را به درستی بشناسیم. اگر می‌خواهیم فرزندان خود را به درستی تربیت کنیم یا دیگران را به سوی خدا دعوت کنیم، باید از روش‌های تربیتی مؤثر مانند داستان‌گویی استفاده کنیم. داستان‌هایی که در آن‌ها نتیجه اعمال به روشنی نشان داده می‌شود، می‌تواند تأثیر عمیقی بر مخاطب بگذارد. این روش نه تنها در آموزش دینی، بلکه در آموزش‌های عمومی نیز کاربرد دارد.

همه چیز در دست خداوند است

در پایان، آیه ۱۲۳ سوره هود به ما یادآوری می‌کند که همه امور به دست خداوند است:

>﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا فَعَبْدُهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (۱۲۳)

این آیه به ما اطمینان می‌دهد که همه چیز در کنترل خداوند است و ما باید تنها بر او توکل کنیم. اگر مشکلاتی در زندگی داریم یا با افراد قدرتمندی روبرو هستیم که ما را تهدید می‌کنند، باید به یاد داشته باشیم که همه امور به دست خداوند است و او بهترین حامی و یاور ماست.

خواسته خداوند متعال در این آیه

خداوند متعال در این آیات از بندگان خود می‌خواهد که از داستان‌های پیامبران و صالحان به عنوان ابزاری برای تقویت ایمان و روحیه خود استفاده کنند. او از ما می‌خواهد که پیامبر (ص) را به عنوان الگوی کامل بشناسیم و از روش‌های مؤثر تربیتی مانند داستان‌گویی برای هدایت خود و دیگران بهره ببریم. همچنین، خداوند از ما می‌خواهد که در همه امور به او توکل کنیم و بدانیم که همه چیز در دست اوست.

روش اجرایی و عملی کردن این خواسته در زندگی

۱. استفاده از داستان‌های الهام‌بخش: در تربیت فرزندان، آموزش دانش‌آموزان و حتی در محیط‌های کاری، از داستان‌های پیامبران و صالحان استفاده کنیم. این داستان‌ها می‌توانند در قالب کتاب، فیلم یا گفتگوهای روزمره ارائه شوند

۲. شناخت پیامبر (ص) به عنوان الگو: با مطالعه سیره پیامبر (ص) و نقل داستان‌های اخلاقی و رفتاری او، خود و دیگران را به سوی تعالی سوق دهیم. برگزاری جشن‌های میلاد پیامبر (ص) و برنامه‌های فرهنگی مرتبط با سیره او نیز می‌تواند مؤثر باشد.

۳. تفکر و تأمل در دین: در مورد دین خود تفکر کنیم و آن را به درستی بشناسیم. این کار می‌تواند از طریق مطالعه قرآن، شرکت در کلاس‌های دینی و گفتگو با علما انجام شود.

۴. توکل بر خداوند: در همه امور زندگی، از کوچک تا بزرگ، به خداوند توکل کنیم. این کار می‌تواند از طریق دعا، نماز و یادآوری آیات قرآن که بر توکل تأکید دارند،

زندگی با آیه ها ۱۳

راهکارهای عملی تقویت ایمان و مسئولیت پذیری اجتماعی

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ﴾ (۳۱) ابراهیم: ۳۱

در این آیه، خداوند متعال خطاب به بندگان مؤمن خود دو دستور کلیدی را بیان می کند: برپایی نماز و انفاق از آنچه به آن ها روزی داده شده است. این دستورات باید پیش از فرا رسیدن روز قیامت، که روزی بدون معامله و بدون شفاعت است، اجرا شوند. این آیه بر اهمیت مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی در قبال نعمت های الهی تأکید می کند.

تحلیل علمی و ادبی آیه

۱. تفاوت بین "عباد" و "عبید"

- "عباد" به بندگان خاص خدا اشاره دارد که با عشق، اطاعت و خضوع به سوی او می آیند. این واژه نشان دهنده رابطه ای عمیق و معنوی بین بنده و پروردگار است .
- "عبید" به تمام مخلوقات خدا، حتی کافران، اشاره می کند که در قلمرو قدرت الهی قرار دارند .

این تفاوت در آیه ۶۳ سوره فرقان نیز مورد تأکید قرار گرفته است :

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (۶۳)

۲. نماز، ستون دین و ارتباط با خدا :

نماز به عنوان عمود دین، نقش محوری در تقویت ایمان و ارتباط با خدا دارد. خداوند در آیه ۱۴ سوره طه می فرماید :

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (۱۴)

نماز نه تنها یک عبادت فردی، بلکه ابزاری برای خودسازی و تقویت روحیه مسئولیت پذیری است.

۳. انفاق، مسئولیت اجتماعی مؤمنان :

انفاق از نعمت های الهی، چه مالی و چه غیرمالی، نشان دهنده مسئولیت پذیری اجتماعی مؤمنان است. این عمل در آیه ۷۷ سوره قصص نیز مورد تأکید قرار گرفته است :

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (۷۷)

۴. اهمیت زمان و فرصت های محدود زندگی :

آیه تأکید می کند که مؤمنان باید پیش از فرا رسیدن روز قیامت، که روزی بدون معامله و شفاعت است، به انجام اعمال نیک اقدام کنند. این موضوع نشان دهنده ارزش زمان و فرصت های محدود زندگی دنیوی است.

۵. عدالت الهی در روز قیامت :

در روز قیامت، عدالت الهی به طور کامل اجرا خواهد شد و هیچ کس نمی تواند از مجازات اعمال خود فرار کند. این مفهوم در آیه ۲۵ سوره حاقه نیز بیان شده است :

﴿وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِي (۲۵)﴾

خواسته خداوند متعال در این آیه

خداوند در این آیه از بندگان مؤمن خود دو خواسته اصلی دارد :

۱. برپایی نماز: نماز به عنوان ستون دین، ابزاری برای تقویت ارتباط با خدا و خودسازی است .

۲. انفاق از نعمت های الهی: انفاق نشان دهنده مسئولیت پذیری اجتماعی و قدردانی از نعمت های خداوند است.

شیوه اجرایی و عملی کردن دستورات آیه در زندگی

۱. برپایی نماز :

- برنامه ریزی منظم: زمان های نماز را در برنامه روزانه خود اولویت دهی کنید .
- توجه و حضور قلب: در نماز به معانی آیات و ذکرها توجه کنید تا ارتباط معنوی قوی تری با خدا برقرار شود .
- نماز جماعت: شرکت در نماز جماعت را فراموش نکنید، زیرا این کار علاوه بر تقویت ایمان، روحیه همبستگی اجتماعی را نیز تقویت می کند.

۲. انفاق از نعمت های الهی :

- انفاق مالی: بخشی از درآمد خود را به نیازمندان، مؤسسات خیریه و پروژه های عام المنفعه اختصاص دهید .
- انفاق غیرمالی: از دانش، مهارت ها و زمان خود برای کمک به دیگران استفاده کنید .

- انفاق پنهان و آشکار: گاهی انفاق پنهان برای تقویت اخلاص و گاهی انفاق آشکار برای تشویق دیگران به انجام کارهای خیر مفید است.

۳. مدیریت زمان و استفاده بهینه از فرصت ها :

- اولویت دهی به اعمال نیک: کارهای نیک را به تأخیر نیندازید و از فرصت های محدود زندگی به بهترین شکل استفاده کنید .

- برنامه ریزی برای انجام کارهای خیر: برنامه ریزی منظم برای انجام کارهای خیر، مانند کمک به نیازمندان یا مشارکت در فعالیت های اجتماعی، می تواند زندگی شما را معنادارتر کند.

۴. تقویت مسئولیت پذیری اجتماعی :

- مشارکت در فعالیت های اجتماعی: در فعالیت های اجتماعی و خیریه شرکت کنید تا مسئولیت پذیری خود را در قبال جامعه نشان دهید .

- آموزش و الگوسازی: با آموزش و الگوسازی، دیگران را نیز به انجام کارهای خیر تشویق کنید.

نتیجه گیری

آیه ۳۱ سوره ابراهیم با تأکید بر برپایی نماز و انفاق، راهکارهای عملی برای تقویت ایمان و مسئولیت پذیری اجتماعی ارائه می دهد. اجرای این دستورات نه تنها زندگی فردی را معنادار می کند، بلکه به ایجاد جامعه ای متعادل و عادلانه کمک می کند. مؤمنان با پیروی از این دستورات، می توانند در دنیا و آخرت به سعادت و رضایت الهی دست یابند

زندگی با آیه ها ۱۴

اختیار انسان در نظام تکلیف الهی

آیه سی و پنجم سوره نحل که خداوند متعال می فرماید:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (۳۵)

خطر اعتقادات نادرست در دین

خطرناک ترین چیز در دین این است که انسان اعتقادی نادرست داشته باشد، زیرا اشتباه در واژه ها تکرار نمی شود، اما اشتباه در عقیده قابل اصلاح نیست. اشتباه در ترازو یک چیز است و اشتباه در وزن چیز دیگری است. اگر ترازو اشتباه باشد و دو کفه آن متوازن نباشند، حتی اگر میلیون وزن در آن قرار دهیم، همه آنها اشتباه خواهند بود. اما اگر اشتباه ما در یک وزن باشد، این اشتباه تکرار نمی شود. اگر انسان عقیده اش درست باشد، حتی اگر اشتباهی کند، به سرعت از آن بازمی گردد و آن اشتباه تکرار نمی شود. بنابراین، خطرناک ترین چیز در دین این است که انسان اعتقادی نادرست داشته باشد که هیچ پایه و اساسی ندارد. از خطرناک ترین عقاید فاسدی که انسان را فلج می کند و او را از حرکت بازمی دارد، این است که انسان اعتقاد داشته باشد که مجبور به گناه است. یعنی اینکه همه چیز از پیش تعیین شده و او هیچ اختیاری ندارد. این اعتقاد که همه گناهان و خطاهایش به خواست خداوند است، بزرگ ترین عقیده فاسدی است که انسان را به نابودی می کشاند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ﴾

این ترتیب است و در آیه دیگری نیز تأیید شده است که اصل در اختیار است.

﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ



قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَاسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا
تَخْرُصُونَ ﴿١٤٨﴾ (انعام: ١٤٨)

عقیده‌ای که حرکت انسان را فلج می‌کند و او را از تلاش بازمی‌دارد و او را مانند یک پارچه کهنه
بی‌اراده می‌کند، این است که انسان اعتقاد داشته باشد که در همه چیز مجبور است. آیات زیر این
موضوع را تأیید می‌کنند:

﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ (کهف: ۲۹)

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان: ۱۳)

﴿وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيَهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ (بقره: ۱۴۸)

﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ﴾ (فصلت: ۱۷)

﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ (بقره: ۲۸۶)

مردی را نزد سیدنا عمر آوردند که شراب نوشیده بود. او گفت: "به خدا سوگند، ای امیرالمؤمنین،
خداوند این را بر من مقدر کرده است." عمر رضی الله عنه گفت: "حد را دو بار بر او جاری کنید،
یک بار برای نوشیدن شراب و یک بار برای نسبت دروغ به خداوند." سپس به او گفت: "وای بر تو!
قضای خداوند تو را از اختیار به اجبار نمی‌کشاند." تو مختار هستی. معنای دیگر این است که تمام
آیاتی که در قرآن به ندم اشاره کرده‌اند، تأکید می‌کنند که انسان مختار است. اگر انسان مجبور
بود، هرگز پشیمان نمی‌شد.

﴿قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹) لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا﴾ (مؤمنون: ۹۹)



﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (٢٧)

انعام: ٢٧

﴿وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ (٢٧) ﴿فرقان: ٢٧﴾

تمامی آیات تأکید می کنند که انسان مختار است. تمام آیات امر و نهی تأکید می کنند که انسان مختار است. اگر تو در ماشین نشسته ای و فرمان در دست توست و شخصی در صندلی عقب نشسته و به او می گویی به راست بپیچ یا به چپ برو، آیا این دستور تو او را به راست یا چپ می برد؟ نه، زیرا او راننده نیست و فرمان در دست توست. اما اگر راننده در صندلی عقب نشسته باشد و به راننده بگوید به راست بپیچ، این دستور معنا دارد. بنابراین، وجود امر و نهی در قرآن نشان می دهد که تو مختار هستی. امر و نهی مستلزم اختیار است، ندم مستلزم اختیار است، مسئولیت مستلزم اختیار است، ثواب مستلزم اختیار است، عقاب مستلزم اختیار است، بهشت مستلزم اختیار است، جهنم مستلزم اختیار است، تکلیف مستلزم اختیار است، و امانت مستلزم اختیار است. اگر اختیار را حذف کنی، بهشت، جهنم، ثواب، عقاب، مسئولیت، تکلیف و امانت همگی از بین می روند و چیزی از دین باقی نمی ماند. دین تبدیل به یک نمایش بی معنا می شود.

سیدنا علی بن ابی طالب رضی الله عنه به همین معنا اشاره نموده و فرموده است: "وای بر تو! گمان کرده ای که قضای الهی اجبار است یا قدر الهی حتمی؟ اگر چنین بود، وعده و وعید باطل می شد و ثواب و عقاب پایان می یافت. خداوند بندگان را به اختیار امر کرده و تکلیف را آسان قرار داده است. او بر کم، بسیار داده و کسی را مجبور به نافرمانی نکرده و کسی را مجبور به اطاعت نکرده است." بنابراین، اگر اعتقاد داشته باشی که خداوند تو را مجبور به گناه کرده است، دین به پایان می رسد.

﴿قُلْ إِنْ لِلَّهِ لَأَيْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (٢٨) ﴿اعراف: ٢٨﴾

﴿الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوِّ عَلَى السَّوِّ دَائِرَةُ السَّوِّ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (۶) ﴿ (فتح: ۶)

خداوند در سوره انعام می فرماید:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (۱۵۱) ﴿ (انعام: ۱۵۱)

خداوند گناه، ظلم، فحشا، منکر، شرک و کفر را حرام کرده و بزرگترین گناه را این قرار داده است:

﴿أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (۳۳) ﴿ (اعراف: ۳۳)

بزرگترین گناه این است که انسان چیزی را به خداوند نسبت دهد که از آن آگاهی ندارد.

توجیه نادرست بسیار خطرناک است. اگر به کسی تلقین شود که همه چیز از پیش تعیین شده و او هیچ اختیاری ندارد، این باعث می شود که او از تلاش دست بردارد. تصور کن مدیر مدرسه ای در اولین روز سال تحصیلی دانش آموزان را جمع کند و به آنها بگوید: "این لیست قبول شدگان و این لیست مردودین است، بروید و درس بخوانید." اگر نتیجه از پیش مشخص باشد، چه فایده ای دارد که دانش آموزان درس بخوانند؟ اگر اختیار را حذف کنی، دین از بین می رود. انسان بر اساس اعمالش محاسبه می شود.

﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (۳۲) ﴿ (نحل: ۳۲)



دوباره به این آیه دقت کنید:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ﴾

این خواست اوست. سیدنا حسن رضی الله عنه فرموده است: "اگر خداوند بندگان را مجبور به اطاعت می کرد، ثواب باطل می شد و اگر آنها را مجبور به گناه می کرد، عقاب باطل می شد و اگر آنها را به حال خود رها می کرد، این نشانه ضعف در قدرت بود.

اما انسان در محدوده‌ای مختار است. این محدوده چیست؟ این محدوده، محدوده تکلیف است. هرگاه خداوند تو را به چیزی امر کند یا از چیزی نهی کند، تو در این محدوده مختار هستی. اما اینکه تو از پدر و مادر خاصی به دنیا آمده‌ای، این اجبار است. اینکه در ایران به دنیا آمده‌ای، این اجبار است. اینکه در این عصر به دنیا آمده‌ای، این اجبار است. اینکه قد بلند یا کوتاه هستی، باهوش یا کم‌هوش هستی، اینها اجبار است. اما دقت کنید که چیزهایی که در آنها مجبور هستی، برای خیر و صلاح توست. زیرا خداوند بهترین مکان، بهترین زمان، بهترین والدین و بهترین توانایی‌ها را برای تو انتخاب کرده است تا ایمان تو تقویت شود، نه برای دنیای تو، بلکه برای آخرت تو. به همین دلیل امام غزالی گفته است: "در امکان، چیزی بهتر از آنچه بوده، وجود ندارد." یا "در امکان من، چیزی بهتر از آنچه به من داده شده، وجود ندارد." چیزهایی که در آنها مجبور هستی، برای خیر و صلاح توست. اینها نزدیک‌ترین شرایط و موقعیت‌ها برای تقویت ایمان تو هستند.

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ (شوری: ۲۷)

(شوری: ۲۷)

تو در محل تولدت مجبور هستی، در والدینت مجبور هستی، در زمان تولدت مجبور هستی، در ساختار بدنت مجبور هستی، در توانایی‌های خاصت مجبور هستی، در روزی‌ات مجبور هستی. اما اگر خداوند به تو بگوید:

تو در این مورد مختار هستی. می توانی نماز بخوانی یا نخوانی. اگر به تو بگوید:

﴿كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه: ۱۱۹)

می توانی با راستگويان باشی یا با دروغگويان. اگر به تو بگوید:

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ﴾ (هود: ۱۱۲)

می توانی استقامت کنی یا نکنی. تو در محدوده تکلیف مختار هستی. در محدوده بزرگ تری مجبور هستی. تو دو بار مجبور هستی: یک بار برای تحقق انتخاب هایت و یک بار برای پرداخت بهای انتخاب هایت. یعنی اگر انسان بخواهد کاری انجام دهد، فعل از آن خداست. او اراده می کند و طلب می کند و خداوند او را به سوی آن کار سوق می دهد. این معنای عقیده اهل سنت و جماعت است که انسان کسب می کند و فعل از آن خداست. مثلاً اگر چراغی داشته باشیم که کلید آن به چیزی وصل نیست و فقط یک کلید روی دیوار است، اما کلید واقعی نزد من است. اگر به پسر من بگویم این چراغ را خاموش کن، او می گوید باشه و دکمه را فشار می دهد و من آن را خاموش می کنم. اما من اطاعت او را کشف کرده ام. اگر به من بگوید آن را خاموش نمی کنم، این فقط یک کشف است. اما فعل از آن خداست. اگر بخواهد برخلاف دستور من چراغ را روشن کند، دکمه را فشار می دهد و من آن را روشن می کنم. من به او اجازه داده ام که نافرمانی کند تا او را امتحان کنم. بنابراین، فعل از آن خداست و انسان کسب می کند. یعنی اگر فرض کنیم چراغی وجود دارد که کلید آن به چیزی وصل نیست و فقط یک کلید روی دیوار است، اما کلید واقعی نزد من است. اگر به پسر من بگویم این چراغ را خاموش کن، او می گوید باشه و دکمه را فشار می دهد و من آن را خاموش می کنم. اما من اطاعت او را کشف کرده ام. اگر به من بگوید آن را خاموش نمی کنم، این فقط یک کشف است. اما فعل از آن خداست. اگر بخواهد برخلاف دستور من چراغ را روشن کند، دکمه را فشار می دهد و من آن را روشن می کنم. من به او اجازه داده ام که نافرمانی کند تا او را امتحان



کنم. بنابراین، فعل از آن خداست و انسان کسب می کند. تو برای تحقق انتخاب هایت مجبور هستی. اگر بخواهی نماز بخوانی، خداوند تو را با قدرت کمک می کند. اگر بخواهی روزه بگیری، خداوند تو را با قدرت کمک می کند. اگر بخواهی کار خیر انجام دهی، خداوند تو را با قدرت کمک می کند. و دوباره مجبور هستی، برای پرداخت بهای انتخاب هایت. اگر کسی انتخاب کند که به مردم دروغ بگوید یا آنها را فریب دهد، این انتخاب اوست. حال اگر او باهوش باشد، خداوند او را در کارش گرفتار می کند تا بهای انتخابش را بپردازد و او مجبور می شود. بنابراین، تو برای تحقق انتخاب هایت مجبور هستی و برای پرداخت بهای انتخاب هایت مجبور هستی و در این میان تو مختار هستی. تو در فعل مختار نیستی، بلکه در کسب مختار هستی. تو آفریننده افعال خود نیستی، بلکه در کسب مختار هستی. و اختیار اساس تکلیف، اساس امانت، اساس تزکیه نفس، اساس ثواب و عقاب، اساس بهشت و جهنم، اساس مسئولیت و پاسخگویی است. هر جا اختیار لغو شود، دین لغو می شود.

﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا﴾ (انعام: ۱۴۸)

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مَوْلِيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۱۴۸) ﴿ (بقره: ۱۴۸)

تا زمانی که به تو دستور داده شده است که در کارهای خیر سبقت بگیری، جهت گیری در دست توست. مثل ماشین که دوباره مثال می زنم، اگر به کسی بگویی به راست بپیچ، معنایش این است که فرمان در دست اوست. کسی که فرمان در دستش نیست، به کسی که در صندلی عقب نشسته نمی گوید به راست بپیچ. تو انحراف می کنی و من هیچ ارتباطی با آن ندارم. ﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مَوْلِيهَا﴾ انسان است که به انسان دستور می دهد.

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۱۴۸) ﴿(بقره: ۱۴۸)

خواسته خداوند از بندگان:

خداوند در آیات متعدد، از بندگان خواسته است که در مسیر خیر و تقوا گام بردارند و از گناه و معصیت دوری کنند. به عنوان مثال:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْهِمْ آلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (۱۵۱) ﴿(سوره انعام: ۱۵۱)

خداوند در این آیه، شرک، قتل، فحشا و دیگر گناهان را حرام کرده و از بندگان خواسته است که از این اعمال دوری کنند.

شیوه اجرایی و عملی کردن خواسته های خداوند در زندگی:

۱. تقویت ایمان و اعتقادات صحیح:

- مطالعه قرآن و روایات برای درک صحیح از مفاهیم دینی.

- دوری از عقاید نادرست مانند جبر و تفویض.

۲. پذیرش مسئولیت اعمال:

- هر انسانی باید مسئولیت اعمال خود را بپذیرد و آن ها را به خدا یا دیگران نسبت ندهد.

۳. تلاش در مسیر خیر:

- با انجام کارهای نیک مانند نماز، روزه، کمک به نیازمندان و دوری از گناهان، می توان به

خواسته های خداوند عمل کرد.

۴. توجه به اختیار و انتخاب:

- در هر لحظه از زندگی، انسان باید با اختیار خود راه درست را انتخاب کند و از گناهان دوری کند.

۵. توبه و بازگشت به خدا:

- اگر انسان در مسیر زندگی اشتباهی کرد، باید سریعاً توبه کند و به سوی خدا بازگردد.

نتیجه گیری:

اختیار انسان، اساس مسئولیت پذیری و حساب و کتاب در قیامت است. خداوند از بندگانش خواسته است که با اختیار خود، راه حق را انتخاب کنند و از گناهان دوری کنند. با تقویت ایمان، پذیرش مسئولیت اعمال و تلاش در مسیر خیر، می توان به خواسته های خداوند عمل کرد و زندگی ای پربرکت و رضایت بخش داشت.

زندگی با آیه ها ۱۵

نقش قصص قرآنی در هدایت بشر و استخراج قوانین الهی

هرگاه در کتاب خداوند متعال با داستانی مواجه می شوید، باید بدانید که این داستان ها تنها حکایت هایی ساده نیستند، بلکه حقایقی هستند که در قالب حوادث و گفتگوها بیان شده اند. خداوند سبحان از این داستان ها قوانین و اصولی را استخراج کرده است که ما باید از آنها درس بگیریم. به عنوان مثال، داستان حضرت یونس (ع) را در نظر بگیرید که در دریا افتاد و توسط نهنگ بلعیده شد. او در تاریکی شکم نهنگ، تاریکی دریا و تاریکی شب قرار گرفت.

﴿فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (۸۷) فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۸﴾ (انبیاء: ۸۷-۸۸)

:این داستان است، اما خداوند آن را به عنوان یک قانون بیان کرده است

﴿۸۸﴾ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

یعنی هر مؤمنی که تا پایان دوران زندگی خود، ما را بخواند، با توبه و انابه و اخلاص در دعا، او را نجات می دهیم. خداوند این داستان را نه برای سرگرمی، بلکه برای آموزش حقایق و قوانینی که ما را در مسیر الهی هدایت می کند، بیان کرده است. بنابراین، هرگاه داستانی در قرآن می خوانیم، باید از آن قوانین و اصولی را استخراج کنیم که ما را در راه خداوند یاری می کند.

:آیات ۹ سوره کهف و پس از آن، درباره جوانانی است که به خداوند پناه بردند

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (٩) إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (١٠) فَضَرْبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (١١) ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (١٢) نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى (١٣)﴾

﴿وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا (١٤) هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنِ يَدَيْنَا مِنْ آيَاتِنَا لَإِذَا كَانُوا مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ كَانُوا كَذِبًا (١٥) وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْكُمْ (١٦) رَحْمَتَهُ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا﴾

ممکن است کسی بپرسد: کجا می توانیم به چنین پناهگاهی برویم؟ خانه شما می تواند همان پناهگاه باشد، مسجد شما نیز می تواند پناهگاه شما باشد. هرگاه از فسق و فجور دوری کنید، در پناهگاه هستید. در حدیث قدسی آمده است: «عبادت در زمان فتنه، مانند هجرت به سوی من است.» اگر بخواهیم از این داستان درس عملی بگیریم، باید بدانیم که در زمان فتنه ها، وقتی زنان بی حجاب و بی عفت، اختلاط، فجور، دروغ، غیبت، سخن چینی و کسب مال حرام در جامعه رواج دارد، باید از چنین جامعه ای کناره بگیریم و به جامعه مؤمنان پیوندیم. خداوند می فرماید

﴿إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً﴾

رحمت خداوند شامل انواع نعمت ها است: سلامتی، آرامش، امنیت، جایگاه، سعادت زناشویی، رابطه با فرزندان صالح و شادی در قلب. همه این ها در کلمه «رحمت» خلاصه می شود

﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾

(۱۱۹) ﴿ (هود: ۱۱۹)

﴿وَلَكِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٍ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (۱۵۷) ﴿ (آل عمران:

(۱۵۷)

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (۱۰) ﴿ (حجرات: ۱۰)

﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِلدُّلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً﴾ (۷۸) وَمِنْ

اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً ﴿ (۷۹) ﴿ (اسراء: ۷۸)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (۷۷) ﴿ (حج: ۷۷)

﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ

دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيًّا وَرَحْمَةُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (۳۲) ﴿ (زخرف: ۳۲)

از بیش از دویست آیه قرآن برمی آید که اطاعت، استقامت، نماز، روزه، حج، زکات، امر به معروف و نهی از منکر، تربیت فرزندان و هر عمل دیگری که برای تقرب به خدا انجام می دهید، همه برای این است که به رحمت خداوند متصل شوید. اگر به خداوند متصل شوید، او شما را با سعادت، توفیق، نصرت و تأیید خود مورد رحمت قرار می دهد. بنابراین

﴿وَرَحْمَةُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (۱۵۷) ﴿ (آل عمران)

اگر میلیون ها ثروت جمع کنید، باز هم رحمت خداوند متعال برتر و بهتر است. اگر به بالاترین مقامات دنیوی برسید، رحمت خداوند بهتر است. شما برای رحمت خداوند آفریده شده اید. بنابراین، اگر به پناهگاه بروید، به مکانی پاک و تمیز، به برادری مؤمنان، به مجلس علم، به فهم کتاب و سنت، به پناهگاه رفته اید. اگر در خانه خود بنشینید و از گناهان دوری کنید و قرآن بخوانید، در پناهگاه هستید. رحمت خداوند تنها زمانی شامل حال شما می شود که به سوی او پناه ببرید، چه در خانه خود و چه در مسجد

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾ (۹) إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

وقتی پیامبر (ص) وارد مسجد می شد، می فرمود: «اللهم افتح لی أبواب رحمتک». وقتی شما وارد خانه خدا می شوید تا نماز بخوانید، قرآن تلاوت کنید یا در مجلس علم شرکت کنید، به رحمت خداوند پناه برده اید. پیامبر (ص) هنگام خروج از مسجد می فرمود: «اللهم افتح لی أبواب فضلك». شما در دو حالت قرار دارید: یا در خانه خدا هستید و رحمت او را دریافت می کنید، یا در خارج از خانه خدا به انجام کارهای خیر مشغول هستید. انسان والا یا در خانه ای از خانه های خدا به سر می برد و رحمت او را دریافت می کند، یا در زندگی عمومی به خدمت به مردم مشغول است تا زمانی که اجلش فرا رسد و از سعادت مندان باشد

﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾ (۱۳)

انواع هدایت

هدایت چهار نوع است

هدایت عمومی: خداوند به شما چشم، گوش، مغز، احساس، حواس و قدرت تفکر داده است. ۱.
این هدایت عمومی است

هدایت وحی: خداوند کتاب خود را به پیامبرش وحی کرده است. این هدایت وحی است. ۲.

هدایت توفیق: اگر این هدایت را بپذیرید، خداوند شما را از مرحله‌ای به مرحله دیگر هدایت می‌کند. ۳.

۴: هدایت بهشت .

﴿سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ (۵) وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ (۶)﴾ (محمد: ۵-۶)

بنابراین، هدایت عمومی، هدایت وحی، هدایت توفیق و هدایت بهشت، همه از انواع هدایت هستند.

﴿(۱۳) إِنَّهُمْ فَتِيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾

یعنی اگر بنده به سوی خدا گام بردارد، خداوند به سوی او می‌آید. اگر ذره‌ای خیر در شما باشد، خداوند آن را رشد می‌دهد و شما را به سوی خود جذب می‌کند.

﴿وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ﴾

اگر کسی غیر از خدا را عبادت کند، باید از او دوری کنید. اما اگر خدا را عبادت کنند، باید با آنها باشید. قاعده این است: تنهایی بهتر از همنشینی با افراد بد است، اما همنشینی با افراد خوب بهتر از تنهایی است

﴿وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ ﴿١٦﴾ أَمْرِكُمْ مَرَفَقاً﴾

یعنی هر روز باید زمانی را با خداوند بگذرانید، چه در خانه، چه در مسجد، چه با ذکر خدا، تلاوت قرآن یا دعا. این زمان، پناهگاه شماس است

﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِلدُّوْكَ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً (٧٨)﴾
(اسراء: ٧٨)

این جلسه صبحگاهی، پناهگاه شماس است و از طریق آن، خداوند رحمت خود را بر قلب شما می افکند

خلاصه اینکه انسان باید با مؤمنان باشد، با آنها علم بیاموزد و در امور دنیوی و اخروی از افراد باتجربه و متدین مشورت بگیرد

﴿فَاسْأَلْ بِهِ خَيْراً (٥٩)﴾ (فرقان: ٥٩)

﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (٧)﴾ (انبیاء: ٧)

در امور دنیوی از اهل خبره سؤال کنید و در امور اخروی از افراد متدین و عالم

خواسته خداوند متعال از بندگان

خداوند متعال از بندگان خود می خواهد که

۱- از قصص قرآنی درس بگیرند: قصص قرآنی را به عنوان قوانین الهی در نظر بگیرند و از آنها برای هدایت خود استفاده کنند

۲- به خداوند پناه ببرند: در شرایط سخت و تاریکی های زندگی، با دعا و توبه به خداوند متوسل شوند.

۳- از فساد دوری کنند: در جوامع فاسد، با اعتزال و پناه بردن به مکان های پاک (مانند مساجد و مجالس علم) خود را حفظ کنند

۴- رحمت خداوند را طلب کنند: رحمت الهی را که شامل سلامتی، آرامش، امنیت و سعادت است، از خداوند درخواست کنند

۵- هدایت الهی را بپذیرند: از هدایت های عمومی، وحی، توفیق و هدایت به سوی بهشت استفاده کنند

شیوه اجرایی و عملی کردن خواسته های خداوند

۱- درس گیری از قصص قرآنی

مطالعه و تدبر در قرآن: هر روز بخشی از قرآن را با تفکر و تأمل بخوانید و از قصص آن درس بگیرید.

استخراج قوانین الهی: از هر داستان قرآنی، قوانین و اصولی را استخراج کنید و آنها را در - زندگی خود اجرا کنید

۲- پناه بردن به خداوند

دعا و توبه: در شرایط سخت، با دعا و توبه به خداوند پناه ببرید. دعای حضرت یونس (ع) را -
الگوی خود قرار دهید

ذکر خدا: در طول روز با ذکر خداوند (مانند سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله) خود را به -
خداوند متصل نگه دارید

۳- دوری از فساد

اعتزال از جوامع فاسد: از محیط‌های آلوده به گناه (مانند مجالس غیبت، دروغ و فساد) دوری -
کنید

پناه بردن به مکان‌های پاک: در خانه، مسجد یا مجالس علم حضور یابید و خود را در -
محیط‌های پاک نگه دارید

۴- طلب رحمت الهی

دعا برای رحمت: در دعا‌های خود، رحمت الهی را طلب کنید و از خداوند بخواهید که شما را -
با نعمت‌های خود شامل حال کند

انجام اعمال صالح: با انجام نماز، روزه، زکات و دیگر اعمال صالح، رحمت خداوند را به سوی -
خود جلب کنید

۵- پذیرش هدایت الهی .

هدایت عمومی: از نعمت های خداوند (مانند عقل، حواس و قدرت تفکر) به درستی استفاده کنید

هدایت وحی: قرآن و سنت پیامبر (ص) را مطالعه کنید و از آنها پیروی نمایید -

هدایت توفیق: با انجام اعمال صالح و تقرب به خداوند، از توفیقات الهی بهره مند شوید -

هدایت بهشت: با ایمان و عمل صالح، خود را برای ورود به بهشت آماده کنید -

نتیجه گیری

قصص قرآنی نه تنها روایت هایی تاریخی، بلکه قوانین و اصول الهی هستند که بشر را در مسیر هدایت و تقرب به خداوند یاری می کنند. با درس گیری از این قصص، پناه بردن به خداوند، دوری از فساد، طلب رحمت الهی و پذیرش هدایت های خداوند، می توانیم زندگی خود را بر اساس قوانین الهی تنظیم کنیم و به سعادت دنیوی و اخروی دست یابیم.